

# داعش و جبهه النصره چگونه می جنگند؟

[WWW.IQRA.AHLAMONTADA.COM](http://WWW.IQRA.AHLAMONTADA.COM)



راچیا آرزومانیان و آرمینه آکوپیان  
مترجم: داوود اقبالی







# داعش و جبهه النصره چگونه می‌جنگند؟

راجیا آرزومانیان  
آرمینه آکوپیان



تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه	: آرزومانیان، راجیا
عنوان و نام پدیدآور	: داعش و جبهه‌النصره چگونه می‌جنگند؟ نویسندگان راجیا آرزومانیان، آرمینه آکوپیان؛ مترجم داود اقبالی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۹۴ ص
شابک	: ۸۰,۰۰۰ ریال: 978-600-5437-90-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: داعش
موضوع	: جبهه‌النصره
موضوع	: تروریست‌ها -- عراق
موضوع	: تروریست‌ها -- سوریه
شناسه افزوده	: آکوپیان، آرمینه
شناسه افزوده	: اقبالی، داود، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ آ ۴ ۵/۵۲۲/۶۴۳۲ HV
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۳/۶۳۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۹۰۹۲۳

www.asnoor.ir  
Email:info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور



این کتاب ترجمه‌ای است از:

R.B. Арзуманян, A.A. Акопян, Иррегулярные конфликты. Ближний Восток  
Центр стратегических оценок и прогнозов, Москва, 2014

نام کتاب: داعش و جبهه‌النصره چگونه می‌جنگند؟

نویسندگان: راجیا آرزومانیان و آرمینه آکوپیان

مترجم: داود اقبالی

تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان کیلوانی

طراح جلد: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۰/۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

## فهرست مطالب

۷	..... مقدمه مترجم
۹	..... پیش گفتار
۱۵	فصل اول: گروه داعش: اهداف، مأموریت‌ها، اشکال و تاکتیک‌های عملیاتی در سوریه و عراق
۱۵	..... ۱. اشاره کوتاه به ویژگی‌های «داعش»
۱۵	..... الف) ویژگی‌ها، اهداف و مأموریت‌ها
۱۷	..... ب) فعالیت گروه در سال‌های ۱۹۱۴ - ۱۹۱۳
۱۹	..... ۲. پیشینه تاریخ ظهور گروهک
۱۹	..... الف) تاریخچه گروهک مسلح داعش
۲۳	..... ب) مناسبات و روابط با گروهک «جبهه النصره»
۲۷	..... ج) ظهور گروهک‌ها
۳۲	..... ۳. مخالفان اصلی داعش
۳۲	..... الف) رویارویی و تقابل گروه‌ها
۳۴	..... ب) گروه‌های اصلی که با داعش می‌جنگند
۳۵	..... - جبهه انقلابیون سوریه
۳۶	..... - جیش المجاهدین
۳۷	..... - جبهه النصره
۳۹	..... ۴. گروهک داعش
۴۰	..... الف) مطبوعات و رسانه‌های هوادار سوریه
۴۴	..... ب) مطبوعات مخالف سوریه
۵۰	..... ۵. رهبر داعش و تثبیت و تلاش برای از بین بردن او
۵۰	..... الف) رهبر داعش
۵۲	..... ب) تلاش و تمایل به نابودی رهبر داعش
۵۲	..... - مطبوعات هوادار سوریه

- ۵۳ - مطبوعات مخالف سوریه
- ۵۵ - فعالیت داعش در کشورهای عربی
- ۵۵ - (الف) سوریه و لبنان
- ۵۵ - مطبوعات هواپاز
- ۵۷ - مطبوعات مخالف سوریه
- ۵۸ - (ب) عراق
- ۵۸ - مطبوعات طرفدار سوریه
- ۵۹ - مطبوعات ضد یا مخالف سوریه
- ۶۱ - (ج) مصر
- ۶۱ - (د) اسرائیل
- ۶۲ - نتیجه‌گیری
- ۶۷ **فصل دوم: گروهک «جبهه‌النصره» اهداف، ماهوریت‌ها، روش‌های عملیات در سوریه و عراق**
- ۶۷ - ۱. اطلاعات عمومی
- ۶۹ - ۲. ساختار سازمانی و روابط خارجی
- ۶۹ - (الف) ساختار سازمانی
- ۷۱ - (ب) حمایت‌های بین‌المللی
- ۷۲ - (ج) روابط با دولت اسد
- ۷۳ - ۳. برنامه‌های عقیدتی و سیاسی
- ۷۵ - (الف) مشکلات وحدت سیاسی
- ۷۶ - (ب) اهداف سیاسی تشکیل دولت اسلامی سوریه
- ۷۸ - ۴. گروه جبهه‌النصره در مطبوعات عربی
- ۷۸ - (الف) مطبوعات طرفدار سوریه
- ۸۳ - (ب) مطبوعات مخالف سوریه
- ۸۷ - ۵. گروه ارتش ملی آزاد
- ۸۷ - ۶. خصوصیات رهبر گروهک جبهه‌النصره، ابو محمد الجولانی
- ۹۰ - نتیجه‌گیری



## مقدمه مترجم

مرکز پژوهش و ارزیابی استراتژیک مسکو متشکل از مجموعه‌ای از کارشناسان زبده خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و شمال آفریقا در فدراسیون روسیه است که طی سال‌های اخیر فعالیت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی چشم‌گیری در مورد مناطق مختلف به ویژه خاورمیانه داشته‌اند.

این مرکز طی چهار سال اخیر شمار زیادی کتاب و مقاله از روند جریان‌های خاورمیانه منتشر کرده که مورد توجه مراکز مطالعاتی جهان قرار گرفته است. از جمله انتشارات این مرکز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نیروهای عملیات؛ ویژه ائتلاف و جنگ در لیبی

- خاورمیانه بزرگ + قفقاز بزرگ = جنگ بزرگ

- بهار عربی یا پاییز اسلام؟

- مناقشات خاورمیانه و...

محتوای این کتاب بر اساس رصد و ارزیابی دقیق اطلاعات رسانه‌های گروهی و گزارش‌های میدانی با عنوان «مناقشات نامنظم خاورمیانه» تنظیم شده است که مرتبط با گروه‌های تروریستی «داعش» و «جبهه‌النصره» است. اهداف، مأموریت‌ها و وظایف، نوع و روش‌های عمل آنها در سوریه و عراق بخش اساسی کتاب هستند.

کتاب حاضر نه تنها می‌تواند مورد استفاده کارشناسان و متخصصان جنگ‌های روانی - اطلاعاتی قرار گیرد، بلکه برای آن دسته از افرادی که به آگاهی یافتن از توسعه شبکه‌های تروریستی و تکنولوژی شبکه‌ای علاقه‌مند هستند، جذاب و کاربردی خواهد بود.



## پیش گفتار

در عصر حاضر درک جریان‌های سیاسی و امنیتی به فهم اندیشه‌های بنیادگرایانه نیاز دارد. اگرچه در گذشته، شناخت جریان‌های سیاسی و امنیتی بر پایه مفاهیم جامعه‌شناسی جریان‌های اجتماعی «کلاسیک و مدرن» بنا نهاده شده بود، ولی اکنون نظریه جدیدی مبتنی بر پدیدار شدن یا تکمیل جریان‌های «نظم و بی‌نظمی» را می‌توان در منابع مختلف و در نتایج رویدادها مشاهده کرد.

بررسی و ارزیابی جامع مسائل روز و قانونمند کردن چنین نیازهایی به تحقیقات جدی نیاز دارد و در این چارچوب، برخی ملاحظات و محدودیت‌ها از مشخصه‌های عمومی آنهاست.

امروزه اکثر گروه‌های مسلح غیر قانونی که در عراق و سوریه می‌جنگند و دولت‌های قانونی را هدف قرار می‌دهند و به ساختارهای زیربنایی آسیب‌های جدی وارد می‌کنند، تا حدودی شناخته شده‌اند؛ اما ابعاد و جنبه‌های عملیاتی و پنهان در رفتارهای اجتماعی و سیاسی آنها کماکان آشکار و همگانی نشده است. در این خصوص مؤلفان و محققان به نتایج مطلوبی دست یافته‌اند که نشان می‌دهد در خاورمیانه، روش‌ها و راهبردهای عملیاتی نوینی اجرا می‌شود که در آن «جنگ نامنظم» توسعه می‌یابد. هم‌چنین مطابق این روش‌ها و راهبردها، عرصه نبرد بر پایه عدم رویارویی و تقابل مستقیم است و طرفین به نوعی از به کارگیری ارتش منظم امتناع می‌ورزند.

«نظم یا بی‌نظمی» می‌تواند صفت مشخصه هم بازیگران و بازیگردانان و هم

واسطین باشد. تأثیر متقابل نظم و بی‌نظمی می‌تواند سبب کاهش یا افزایش تنش‌های قومی در صحنه‌ها شود. نظم در مقیاس بزرگ‌تر عمل می‌کند و بر اساس طرح و توسعه و مراکز آموزشی و ساختاری شکل می‌گیرد و تمامی مناطق قومی را در اختیار می‌گیرد. پس از آن به واسطه فعالیت‌های علمی و دانشگاهی، معیارهای معین نظم و ترتیب مطرح می‌شوند. مناقشه‌های نامنظم و سریع مثل «خردشدن» به نظر می‌رسند که بر اثر رویدادهای ناگهانی ترویج می‌شوند. مناقشه‌های نامنظم ابتدا در مقیاس محدود عمل می‌کنند. دائماً در حال پویایی، جنبش و حرکت به این سو و آن سو هستند و به همین دلیل، سیستم ساختار اجتماعی آن بزرگ است. مناقشه‌های نامنظم در حال جست و گریز از یک مکان به مکان دیگر در لایه‌های اجتماعی وسیع‌تری نفوذ و اعتبار کسب می‌کنند. بر این اساس جریان‌های نامنظم که کوچک‌تر شده و به گروه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند، می‌توانند هم در درون و هم در بیرون مرزهای یک کشور حضور داشته باشند. این جریان‌ها حین نفوذ به درون جامعه یا به عمق اطلاعاتی، تأثیرات خود را نشان می‌دهند.

فعالیت به وسیله نیروهای کوچک، اجرای عملیات کوچک و در مقیاس کوچک‌تر انجام می‌شود. هر کدام از این تهدیدها از حیث کمیت ناچیز است و به علت چشم‌گیر نبودن ابتدایی چنین تهدیدهایی، سیستم امنیت ملی در تشخیص و تمیز دادن آنها دچار اختلال می‌شود و به همین دلیل، مدت‌های مدیدی سیستم امنیتی «توجهی ویژه» به چنین تحرکاتی ندارد؛ زیرا چنین زخم‌ها یا بریدگی‌هایی به لحاظ امنیتی خیلی کوچک و ناچیز به نظر می‌رسند اما در واقع این بریدگی‌های کوچک، ریشه در خیزش بازیگران و گروه‌های نامنظم دارند. سرانجام سیستم‌های امنیت ملی قوی و نیرومند، در مقابل تعدد و فراوانی «بریدگی‌های کوچک» - که هر کدام به طور مستقل تهدید محسوب نمی‌شوند،

ولی به طور دسته جمعی و روی هم در قالب‌های شبکه و هجوم‌های زنبوری خطرناک هستند - بی‌رمق و ناتوان می‌شوند. چنین هجوم‌های زنبوری از شبکه‌های متعدد نه تنها سیستم‌های منظم امنیتی را سردرگم می‌کنند، بلکه به علت فراوانی و سرعت در توسعه لایه‌های اجتماعی، ناگهان در نهایت به تهدیدهای کشنده و خونبار تبدیل می‌شوند.

سیستم امنیتی منظم و بازیگران به این صورت بدون اینکه از خود واکنشی نشان دهند، به تحمل ضرر و زیان دچار می‌شوند و سر درگم عمل می‌کنند و در حالی که هیچ‌گونه آمادگی عملیاتی پنهانی ندارند، به صورت «آشکار» در قبال تهدیدهای نامنظم، آماده واکنش‌های معادل و هم‌عرض می‌شوند و با به‌کارگیری روش‌های «غیر مرسوم» که به انجام صحیح آنها عادت نکرده‌اند و حتی آمادگی اجرای چنین عملیات غیر عادی را ندارند، به مقابله می‌پردازند و به تاکتیک‌هایی روی می‌آورند که برتری در آنها به نفع بی‌نظمی است. گروه‌های نامنظم در چنین تاکتیک‌های عملیاتی در سطح برتری قرار می‌گیرند و می‌توانند در عرصه‌های سیاسی - نظامی و حتی در صحنه‌های ژئوپلیتیکی، مغلوبیت و صدمات و حتی شکست را بر حریف تحمیل کنند.

در رویدادهای سال‌های اخیر نمونه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد به کارگیری راهبرد مشخص و تطابق آن با روش‌های گوناگون تاکتیکی و نامنظم جنگی و فعالیت‌های سیاسی، بدون به کارگیری ابزارهای عملیاتی در مقیاس بزرگ، به کار سستی و مرسوم در صحنه ژئوپلیتیکی کمک می‌کند و نیل به هدف را میسر می‌سازد. در یک سلسله از عملیات‌های نظامی، تقابل و رویارویی ژئوپلیتیکی با ساز و برگ و ریتم تاکتیکی انجام می‌شود. این ساز و برگ‌ها باید به سوی تاکتیکی سوق داده شوند که در آن، بازیگران ژئوپلیتیکی اهمیت چندانی نیابند و سبب تأخیر در فعالیت‌ها نشوند.

بنابراین شناخت انواع مناقشه‌های نامنظم از آن جهت ضرورت دارد که می‌تواند مانع توسعه تهدیدات نامنظم شود. فراگیری کامل روش‌های شورشیان و یاغیان جنگ‌های پارتیزانی و اقدامات تخریبی - روانی تروریست‌ها از ضروریات اساسی برای مقابله با آنهاست.

در واقع تهدیدهای نوین حتماً باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند و نقاط ضعف مقابله با انواع تهدیدهای نامنظم برطرف شوند. دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی نیز در این رابطه باید تغییرات کیفی ضروری در سیستم‌های خود را اجرایی کنند تا بتوانند امنیت و ثبات دائم و مطمئن برقرار نمایند. البته چنین دگرگونی‌های کیفی در خصوص پروسه جهانی ضامن امنیت فراگیر خواهد شد؛ زیرا غالباً این گونه متصور است که بین گروه‌های نامنظم جدید به طور سستی فاصله و میدان نوسان محدود است. علوم اجتماعی غربی در حالی که تلاش می‌کند سازوکاری برای تشریح واقعیت اجتماعی در مورد اصطلاحات منظم و نامنظم فراهم نماید، وارد ضرورت تکمیل طبقه یا قشر سوم آن یعنی مناقشات دو قطبی یا دو رگه شده است که بین دو قطب نامنظم و منظم قرار می‌گیرد. در واقع این علوم اجازه صحبت درباره «منطقه وسطی» (منطقه واقع بین دو چیز) را می‌دهد که بین دو قطب را شامل می‌شود. درک مفهوم مناقشات دو قطبی در علوم نظامی شکل گرفته و بنیان‌های نظری آن نه تنها در تئوری و چرخه تئوریک، بلکه در اصول و دکترین مدارک نظامی ایالات متحده آمریکا وارد شده است. فراگیری و تحصیل مناقشات دو قطبی اجازه می‌دهد نه تنها در مورد مفهوم و درک پایه صحبت شود، بلکه راه فراگیری روش‌ها را فراهم می‌آورد و به کمک این روش‌ها نامنظم با منظم در واقعیات و عمل با هم عمل می‌کنند.

مقوله جدید اجازه می‌دهد تا به جریان‌ها از دریچه خط مشی متدلوزی و اسلوب‌شناسی تکمیلی نگریسته و در مورد نامنظم‌های جدید اندیشیده شود و

روش‌های واگذاری و انجام مأموریت‌ها در عرصه‌های ژئواستراتژیکی و نظامی - سیاسی نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. توصیف و تشریح تلاش‌های نظامی شناخته‌شده تاریخ نامنظم و مقوله جدید منفک‌شده فراگیری جریان نامنظم و روش‌های هدایت عملیات نظامی ممکن باشد، در این صورت برای توصیف و تعریف نامنظم نیز می‌توان هم از حیث تئوریزه و هم از حیث اسلوب‌شناسی (متدولوژیکی) گام‌هایی برداشت.

در مناقشات نامنظم و دوقطبی، دامنه و مقیاس بحران ضمن ایجاد مشکلات جدی به نوع دیگر منکسر می‌شود و معیارهای محاسباتی دستگاه‌های امنیت ملی را برای واکنش مناسب با چالش مواجه می‌سازد. این مناقشات امکانات دولت و سازمان‌های اطلاعاتی را با عکس‌العمل‌های معادل و هم‌عرض از بین می‌برند. سیستم‌های امنیت ملی منظم نسبت به تهدیدهای نامنظم، عکس‌العمل غیرفعال و ناکارآمد نشان می‌دهند؛ زیرا تهدیدهای نامنظم غالباً دارای ساختار شبکه‌های متعدد توده‌های زنبوری شکل بوده و پیوسته در حال جابه‌جایی هستند. چنین ساختار نامنظم و بازیگران آن قابلیت‌های نفوذ و رسوخ به جامعه منظم را میسر و ممکن می‌سازند. مناقشات نامنظم با داشتن چنین قابلیت، نفوذ و اعتبار خود را از نواحی به مناطق و از مناطق به قلمرو کشورها توسعه داده و تأثیر نفوذ خود را به عرصه‌های جهانی سوق می‌دهند.

هم‌چنین می‌توان به محدودیت‌های موجود در تئوری نظامی مذکور اشاره کرد. این تئوری‌ها تلاش و تمایل دارند از عهده امور نامنظم برآیند. زیرا اکثر بازیگران نبردهای نامنظم، تلاش و تمایل دارند پس از دستیابی به پیروزی، قالب اصلی خود را دگرگون کنند و وارد عرصه منظم و روش‌های منظم شوند؛ اما ممکن است سایر جریان‌ها هم در این روند، ساری و جاری شوند. زمانی که منابع و سرچشمه‌های منظم از بین رفتند و از هم فرو پاشیدند، ساختار جدید

منظم بدون آتیه پا به عرصه می‌گذارد. در این شرایط، «بی‌نظمی» ابزاری محسوب می‌شود که به واسطه آن مسائل دیگر حل و فصل می‌شوند. آیا بازیگران نامنظم از این مسئله به طور عمدی استفاده می‌کند یا توسعه عینی جریان‌های جامعه موجب چنین تحولی می‌شود؟ راه‌حل ممکن است درک موازین غیرمقرر یا مشروط هم باشد. این‌گونه مقولات و گذر به سمت مجموعه‌ای که در آن هر سه صفت مشخصه منظم، نامنظم، و پیوندی باشد و مرز بین آنها به روشنی تفاوت نکند، موجب ظهور نیروها و جریان‌هایی می‌شوند که در عرصه بازیگری، دگرگونی‌های پیچیده‌ای پدید می‌آورند. به همین دلیل درک این بازیگران نه تنها نیاز به تجزیه و تحلیل خود آنها دارد، بلکه نیازمند شناخت دقیق روش‌های منظم، نامنظم و پیوندی نیز می‌باشد.

در این کتاب جریان‌های مرتبط با فعالیت گروه‌های تروریستی در خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در تجزیه و تحلیل هرکدام از این جریان‌ها می‌توان به تصاویر عملی از مفاهیم منظم و نامنظم دست یافت که می‌تواند اسلوب‌شناسی نوین این جریان‌ها نیز به حساب آید. درک درست این مفاهیم و جریان‌ها، کمک شایانی به نابودی و جلوگیری از رشد چنین جریان‌هایی در منطقه خواهد کرد.



## فصل اول

گروه «داعش»: اهداف، مأموریت‌ها،

اشکال و تاکتیک‌های عملیاتی در سوریه و عراق

۱. اشاره‌ای کوتاه به ویژگی‌های «داعش»

در این بخش، فعالیت‌ها، مأموریت‌ها و اهداف داعش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) ویژگی‌ها، اهداف و مأموریت‌ها<sup>۱</sup>

«داعش» متشکل از نیروهای شورشی و تروریستی، در آوریل ۲۰۱۳ اعلام موجودیت کرد و نقش اساسی در بحران‌سازی در عراق و سوریه ایفا نمود. رهبر گروه ابوبکر البغدادی مشهور به ابودعا<sup>۲</sup> است.

این گروه شورشی در مدت زمانی بسیار کوتاه، به جدی‌ترین تهدید برای دولت عراق پس از سرنگونی رژیم صدام و خروج نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۱ مبدل شد.

ابتدا هدف داعش، احیا و ایجاد خلافت — دولت واحد فراملیتی (انترناسیونالیستی) اسلامی — بر پایه شریعت در مناطق سنی‌نشین عراق بود که بعدها به قلمرو جمهوری سوریه نیز گسترش یافت و دامنه فعالیت‌های خود را از بین‌النهرین تا شام کشاند. داعش موفق شد در تعدادی از استان‌های عراق از

---

1. Islamic state of Iraq and the Levant (Isis, Isil)

2. Abu Du

جمله صلاح‌الدین، الانبار، نینوا و در قسمت‌هایی از استان‌های کرکوک، بابل، دیاله و بغداد حضور و نفوذ خود را بگستراند. در اوایل، پایتخت داعش شهر بعقوبه اعلام شده بود. پس از بروز بحران در قلمرو سوریه و عدم حضور مرزبانی در مرزهای سوریه و عراق، این گروهک با استفاده از فرصت، وارد اراضی سوریه شد و استان‌های رقه و ادلب را به تصرف خود در آورد و همراه ائتلاف گروه‌های ضد دولت سوریه، دولت اسد را به چالش کشاند.

داعش یکی از بی‌رحم‌ترین گروه‌ها محسوب می‌شود که مسئولیت کشتار هزاران نفر از شهروندان عراقی و نیروهای حکومت عراق را به عهده گرفته است. این گروه که چندین بار نام خود را تغییر داده است، سابقه‌ای چندین ساله دارد. این گروه در پرتو استراتژی ضدتروریستی ایالات متحده آمریکا در اواخر سال ۲۰۱۲، توانمندی‌های خود را تجدید کرد و تا دو برابر افزایش داد و تعداد اعضای اصلی‌اش را به ۲۵۰۰ نفر رساند. دیده‌بان حقوق بشر سوریه<sup>۱</sup> این گروهک را قدرتمندترین گروه مخالف دولت بیان کرده است: «داعش به طور حتمی قدرتمندترین گروه در شمال سوریه است و کسانی که غیر از این را بیان می‌کنند، دروغ محض است.»

داعش تلاش دارد با توسعه قلمرو خود، مناطق بیشتری را تحت کنترل در آورد و با مبانی حکومتی و اعمال اشکال سخت و شدید شریعت، پایه‌های حاکمیتی‌اش را تحکیم بخشد. داعش بیش از هر چیز دیگر حکمرانی خود را بر تمرکز بر نبرد تروریستی بنا نهاده و سعی کرده بیشترین آسیب را به دولت اسد وارد کند. داعش «بیش از اندازه سنگدل و بی‌رحم است.»

این گروه برای ایجاد حکومتی اسلامی که داعیه‌دار آن است، با بی‌رحمی عمل می‌کند. حملات آنها فرقه‌ای و برای برقراری بی‌وقفه و بدون چون و چرای قوانین شریعت مطابق برداشت تکفیری است. آنها برای انجام چنین وظایف و

مأموریت‌هایی، تاکتیک ایجاد منطقه مخصوص تحت نفوذ را اجرا می‌کنند و بومیان را به تبعیت وامی‌دارند؛ گروهک‌های دیگر را از منطقه و عرصه نفوذ خود خارج یا آنها را دستگیر و زندانی می‌کنند. در واقع داعش در منطقه نفوذ خود، غیر از فرقه خود به هیچ گروه دیگری اجازه حضور نمی‌دهد. حتی شورشیان سایر گروه‌ها را به زور دستگیر و حبس یا با زور آنها را وادار می‌کنند به داعش ملحق شوند. آنها حتی روزنامه‌نگاران و همکاران سازمان‌های بشردوستانه را وادار می‌کنند به داعش ملحق شوند. مجمع عمومی سازمان ملل، شکنجه، کشتار و حبس و زندانی کردن بسیاری از انسان‌های بی‌گناه را به وسیله داعش محکوم کرده است. غالباً محبوسین کسانی هستند که بنا به ادعای داعش، قانون شریعت را نقض کرده‌اند و یا به مخالفت با حکومت یا عضویت در سایر گروه‌های شورشی متهم شده‌اند.

#### (ب) فعالیت گروه در سال‌های ۲۰۱۳ - ۲۰۱۴

از آوریل ۲۰۱۳ که داعش در قلمرو سوریه حضور یافت، جریان بحران سوریه به طور کلی دگرگون شد. زیرا داعش در شمال سوریه حضور قدرتمندی پیدا کرد. اوایل دسامبر ۲۰۱۳، این گروه چهار شهر مرزی اتمه، الباب، اعزاز و جرابلس را به تصرف خود در آورد تا کنترل کامل ورود و خروج از سوریه به ترکیه را به دست گیرد. در می ۲۰۱۳ در شهر ریحانلی واقع در استان هاتای ترکیه، بر اثر انفجار دو دستگاه خودروی بمب‌گذاری شده، دست‌کم ۵۱ نفر کشته و ۱۴۰ نفر زخمی شدند. این حمله یکی از خونبارترین عملیات تروریستی در اراضی ترکیه بود. دوازدهم می ۲۰۱۳ تعداد ۱۰ نفر از شهروندان ترکیه دستگیر شدند و در ۲۱ می همان سال، حکومت ترکیه عامل اصلی این جنایت تروریستی را همراه چهار نفر دیگر دستگیر و آنکارا اعلام کرد: «همه این افراد از شهروندان ترکیه بودند و

با سازمان اطلاعات سوریه ارتباط داشتند.»

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۳ برخی سایت‌ها نوشتند که داعش مسئولیت حمله را بر عهده گرفته و ترکیه را به انجام عملیات‌های تروریستی جدیدی تهدید کرده است. در ژوئن همان سال به زندان ابوغریب عراق حمله شد. در این عملیات، ۱۲ خودروی بمب‌گذاری‌شده، منفجر و تعداد کثیری از تروریست‌ها و مردم عادی کشته شدند. این حمله دور تازه‌ای از اوج‌گیری هجوم تروریست‌ها بود که با عنوان «شکست دیوارها»<sup>۱</sup> انجام گرفت. هدف عملیات، آزادسازی اعضای گروه و تکمیل صفوف جنگجویان جدید بود. در این عملیات ۵۰۰ نفر از زندانیان از جمله برخی فرماندهان ارشد داعش آزاد شدند.

اوایل آگوست ۲۰۱۳، پایگاه هوایی مناخ<sup>۲</sup> را محاصره کامل کردند و در سپتامبر همان سال، فرمانده گروه «احرار الشام» ابوعبید الینشی را ربودند و به قتل رساندند. اعضای داعش او را در حالی که قصد حمایت از عناصر «مؤسسه خیریه اسلامی مالزی»<sup>۳</sup> داشت، به قتل رساندند؛ زیرا داعشی‌ها آنگونه که ادعا کردند، پرچم مالزی را با پرچم آمریکا اشتباه گرفته بودند.

در سپتامبر ۲۰۱۳ داعشی‌ها وارد شهر اعزاز سوریه شدند و آنجا را از دست تیپ شورشیان ارتش آزاد سوریه خارج کردند و خود در این شهر مستقر شدند. در نوامبر همان سال خبری علیه ترکیه منتشر شد؛ زیرا این خبر در مورد طرح عملیاتی گروه داعش بود. آنها به ترکیه هشدار داده بودند که نیروهایشان آماده اجرای عملیات‌های انفجاری در شهرهای بزرگ و پرجمعیت این کشور هستند. گمان می‌رفت داعش از هفت خودروی بمب‌گذاری‌شده که در شهر رقه<sup>۴</sup> سوریه آماده شده بودند، برای ایسن عملیات استفاده کند. دسامبر ۲۰۱۳ اعلام شد

1. Breaking the Walls

۲. واقع در شمال حلب

3. Malaysian Islamic Chirity

4. Ragga

درگیری‌های شدید بین داعش و شورشیان گروه اسلامی «احرار الشام» در شهرهای مسکنه و حلب صورت گرفته است. در ژانویه ۲۰۱۴، داعش شهر فلوجه و قسمتی از رمادی، مرکز استان الانبار را تصرف کرد. ۱۲ ژانویه روترز گزارش داد که داعش در دو روز گذشته، ده‌ها شورشی مسلمان را اعدام کرده است. این اعدام‌ها در پی از دست دادن اراضی شمال شرقی رقه صورت گرفت. بیش از ۱۰۰ نفر از جنگجویان «جبهه النصره»، گروهک دیگری از شاخه «القاعده» و «تیپ احرار الشام»، اسیر و در شهر تل ابیض نزدیک مرزهای ترکیه تیرباران شدند. در مناطق پیرامون قنيطرة و همین طور در مرکز استان رقه، ظلم، تعدی و تجاوز در سال ۲۰۱۴ به شدت افزایش یافت؛ به طوری که بیش از هشت هزار نفر از شهروندان غیر نظامی، جان خود را از دست دادند. دوره مذکور خونین‌ترین دوره در سوریه و عراق طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ محسوب می‌شود. شیوه‌های جنگی ظالمانه و آشتی‌ناپذیری داعش، اوضاع را روز به روز وخیم‌تر کرد؛ تا جایی که گروهک‌های زیرمجموعه «جبهه النصره»<sup>۱</sup> و «ارتش آزاد سوریه»، عملیات‌های تهاجمی خود را علیه داعش در حلب و پیرامون آن شروع کردند. در نتیجه داعش دچار تلفات و خسارات ملموس شد و از درگیری و رویارویی با سایر گروه‌ها پرهیز کرد.

## ۲. پیشینه تاریخ ظهور گروهک

### الف) تاریخچه گروهک مسلح داعش

داعش تاکنون چندین بار نام خود را تغییر داده است. ابتدا هم‌زمان با جنگ عراق - آمریکا زیر چتر «القاعده» در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد و نام «جماعت التوحید و الجهاد» را بر خود گذاشت. در اکتبر ۲۰۰۴ عنوان «تنظیم قیادات الجهاد فی البلاد

الرافدین» را انتخاب کرد که به «القاعده فی عراق» مشهور شد. در ژانویه ۲۰۰۶ با سایر گروه‌های کوچک‌تر متحد شد و نام «مجاهدین شورا» را انتخاب کرد. در اکتبر ۲۰۰۶ مجدداً نام خود را به «دولت العراق الاسلامی» تغییر داد و در آوریل ۲۰۱۳ نام «داعش» را برگزید. جنگ داخلی سوریه آنها را بیشتر تحریک و تحریص کرد که این نام را برای مطامع خویش انتخاب کنند.

ابومصعب الزرقاوی بنیان‌گذار داعش بود. زرقاوی اردنی‌الاصیل فرمانده نیروهای داوطلب هرات در افغانستان قبل از حضورش در عراق در سال ۲۰۰۱ بود. وی پس از حضور در عراق با گروه «انصارالاسلام» متحد شد.

زرقاوی «گروه جنگجویان عرب» را که گرایش‌های تجزیه‌طلبانه داشت، رهبری می‌کرد. بسیاری از تحلیلگران «انصارالاسلام» را جزو اسلاف و پیشینیان القاعده عراق می‌دانند. آنها پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، قدرت و اعتبار یافتند و علیه نیروهای ائتلاف و متحدان داخلی آنها عملیات نظامی اجرا کردند. «دوایر موقت نیروهای ائتلاف»،<sup>۱</sup> حکومت انتقالی ایجادشده توسط ایالات متحده آمریکا و متحدانش در ترکیب ائتلاف را ناگزیر کردند با تصمیم خود باعث ظهور و بروز حرکت‌های شورشی در عراق شوند. تصمیم اول در مورد اعضای حزب بعث بود که به‌کارگیری آنها را در مقامات دولتی ممنوع کرده بودند. تصمیم دوم درباره انحلال ارتش عراق و خدمات و سرویس‌های اطلاعات و امنیت این کشور بود. این دو تصمیم دولت انتقالی باعث شد صدها نفر به عنوان دشمن علیه ائتلاف آمریکایی و نیروهای داخلی حامی آنها متحد شوند. تعداد زیادی از شورشیان، همان کسانی بودند که پس از انحلال ارتش به گروهک مذکور پیوسته بودند. به همین دلیل، فعالیت و تحرکات القاعده عراق در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به اوج خود رسید. ولی بعد از عملیات ضدتروریستی آمریکا، امنیت در مناطق سنی‌نشین

عراق تا حدودی تأمین شد و با اجرای تدابیری مثل «پیداری قبایل»<sup>۱</sup> فعالیت گروهک داعش کاهش یافت. با خروج نیروهای آمریکا از عراق در اواخر سال ۲۰۱۱، فعالیت‌های تروریستی القاعده عراق مجدداً شروع شد و این بار آنها جمعیت شیعه را هدف قرار دادند. در واقع تحرکات آنها به سمت و سوی مناطق شیعه‌نشین عراق سوق یافت.

بر اساس گزارش «مرکز تحقیقات بین‌المللی استراتژیک ایالات متحده آمریکا»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۱ استراتژی مقاومت مسلحانه زرقاوی در مقابل نیروهای ائتلاف در عراق چهار محور اساسی داشت:

۱. منزوی و مجزا کردن نیروهای ایالات متحده آمریکا و وارد آوردن ضربات مکرر به نیروهای متحد و ائتلاف.

۲. ضربه به ساختارهای دولتی و نیروهای فعال و همچنین خائن جلوه دادن اشخاصی که با نیروهای ائتلاف همکاری داشتند؛ تا جایی که عراقی‌ها جرأت مساعدت به نیروهای غربی را نداشته باشند.

۳. وارد کردن ضربات مداوم به تلاش‌های تقویتی و کمک‌کننده به ساختارهای بازسازی‌شده عراق در حملات پی در پی به عناصری که جهت اجرای قراردادهای تجاری و صنعتی فعالیت می‌کردند و همچنین تهدید و تشدید حملات به نهادها و سازمان‌های بشردوستانه در عراق.

۴. کشاندن نیروهای ایالات متحده آمریکا به جنگ داخلی شیعه - سنی و وارد آوردن ضربه به آنها.

اسامه بن لادن معتقد بود که حملات بی‌رحمانه و القاعده عراق به مسلمانان، حمایت‌های اجتماعی از القاعده را کاهش می‌دهد و سیستم‌های عملیاتی این گروه با از دست دادن هواداران منطقه‌ای خود دچار اختلال می‌شود. در جولای

۲۰۰۵، استراتژی زرقاوی نیز هم‌عرض یا معادل نظر بن لادن تلقی می‌شد. با این حال مناسبات و ارتباط متقابل با القاعده، زمانی محدود شد و تقلیل یافت که زرقاوی دستورهای القاعده را نادیده گرفت و نه تنها به آنها اعتنا نکرد، بلکه دست از هجوم به اماکن شیعی و سایر مراکز مشابه برداشت و به حملات خود شدت بخشید.

سرانجام زرقاوی در هجوم نیروهای هوایی آمریکا در ژوئن ۲۰۰۶ کشته شد. مرگ وی به عنوان نقطه تحول اساسی در القاعده عراق محسوب می‌شود؛ زیرا بعد از مرگ وی، رهبر جدید القاعده عراق «ابو ایوب المصری» شد. ابو ایوب در مصر به دنیا آمده و متخصص امور انفجارات بود. او شخص مورد اعتماد زرقاوی به حساب می‌آمد. در اکتبر ۲۰۰۶، المصری ائتلاف جدیدی را ایجاد کرد و به آن «دولت اسلامی عراق» نام نهاد. این ائتلاف شروع به گسترش اعتبار و حیثیت قلمرویی خود کرد که بعد از مرگ زرقاوی به شدت کاهش یافته بود. در نهایت نیز با تداوم توسعه منطقه نفوذ جغرافیایی خود، به ایجاد داعش سمت و سو داد و رهبری آن را ابوبکر البغدادی بر عهده گرفت.

در آن زمان، حمایت‌های مالی، تدارکاتی و لجستیکی از داعش به واسطه عناصر مرتبط و مستقر در کشورهای اردن، سوریه و عربستان سعودی تأمین می‌شد. داعش در حال حاضر نیز به ذخایر مالی و پشتیبانی‌های داخلی و همین‌طور منابع نیروهای جدید و بدون واسطه از عراق و سوریه چشم امید بسته است. بخش اعظم منابع مالی داعش به واسطه فعالیت‌های بزه‌کاری و جنایتکاری مثل قاچاق و اخاذی تأمین می‌شود. طبق برخی ارزیابی‌ها در موصل، مهم‌ترین اتکای مالی داعش جمع‌آوری مالیات است که حجم آن به چندین میلیون دلار در سال می‌رسد.



## ب) مناسبات و روابط با گروهک جبهه النصره

سازمان جهادی - سلفی جبهه النصره در ژانویه ۲۰۱۲ اعلام موجودیت کرد. داعش در ایجاد و تأمین مالی جبهه النصره نقش اساسی داشت و سازماندهی و تأمین اعتبارات مالی و تهیه و تحویل سلاح و مهمات این گروهک را بر عهده گرفت. همچنین مسائلی نظیر پایگاه‌های آموزشی و تأمین نیروهای رزمی جبهه النصره در اختیار داعش قرار داشت. این گروه متشکل از عناصر با تجربه‌ای است که در جنگ‌های افغانستان و عراق، مشارکت میدانی داشته‌اند و در سال ۲۰۰۰ به رهبری فردی با نام مستعار «ابومحمد الجولانی» متمرکز شدند. هدف نهایی گروه جبهه النصره، ایجاد حکومت اسلامی بر مبنای اجرای قوانین بنیادگرایانه شریعت است و در این مسیر، مبارزات مسلحانه زیادی را علیه دولت اسد انجام داده است.

موفقیت‌های جبهه النصره و رشد و توسعه نفوذ روزافزون آن سبب ایجاد شکاف در مناسبات و روابط با سازمان اصلی یعنی داعش شد. در آوریل ۲۰۱۳، البغدادی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که جبهه النصره و دولت اسلامی عراق متحد خواهند شد و با عنوان «حکومت اسلامی عراق و شام» به فعالیت خود ادامه خواهند داد. بیانیه بغدادی خیلی سریع توسط محمد الجولانی تکذیب شد. الجولانی اعلام کرد که در جریان این اتحاد نبوده و اطلاعاتی از کم و کیف آن ندارد. الجولانی در همان بیانیه ضمن تصدیق وفاداری جبهه النصره به القاعده توضیح داد: «دلیل سکوت طولانی مدت در این باب، ضرورت فراهم آوردن و تعمیم سیاست شریعت بوده است که متناسب با واقعیات شام باشد».

این بیانیه نشان می‌داد که جبهه النصره قصد اتحاد با داعش را برای تشکیل خلافت سوری - عراقی ندارد؛ به نحوی که در این بیانیه البغدادی و داعش از اعمال روش‌های بی‌رحمانه و سرسختانه بر حذر شده بودند. در اوایل ماه ژوئن، شبکه تلویزیون الجزیره، نامه رهبر القاعده، ایمن الظواهری را منتشر کرد. او در

این نامه، هر دو طرف را به دلیل بروز چنین مباحثاتی مقصر خواند، ولی عملاً از الجولانی حمایت و بیانیه بغدادی درباره اتحاد گروه‌ها را گامی نادرست ارزیابی کرد. از نظر ظواهری، هر کدام از گروه‌ها باید عملیات‌های جنگی خود را در منطقه جغرافیایی مربوط و زیر چتر القاعده ادامه می‌دادند.

با این وجود، بغدادی از اجرای فرامین ظواهری امتناع ورزید و در پیام دیگری در ماه ژوئن به صراحت رهبری ایمن الظواهری را نپذیرفت و تأکید کرد که داعش به عملیات خود در سوریه ادامه خواهد داد. این مسئله سبب شد که داعش همگام با جبهه النصره در مناطق مختلف سوریه، اوضاع را بغرنج و صحنه‌های نامطلوبی ایجاد کند.

به رغم وجود اختلافات فوق، این گروه‌ها در برخی مناطق، عنوان مشترک دارند و در مناطق دیگر با هم متفاوت‌اند؛ به نحوی که اگر در منطقه‌ای عملیات مشترک انجام دهند، از عنوان مشترک بهره می‌جویند، اما اگر هر کدام از این دو گروه، عملیاتی را به صورت مجزا انجام دهند، از عنوان مختص خود استفاده می‌کنند. به هر صورت در مناطقی گاهی این گروه و گاهی گروه دیگر، برتری و سلطه دارد و هر کدام از عنوان خود استفاده می‌کنند.

«التعمیمی»، تحلیلگر محلی، درباره تحرکات داعش و جبهه النصره در سوریه می‌گوید: «در شهرهای حلب و دیرالزور جبهه النصره و داعش مشغول اجرای عملیات‌های نظامی هستند و به صورت مجزا عمل می‌کنند. در شهر درعا برتری و تسلط با جبهه النصره است و در شهر رقه از عنوان مشترک یاد می‌شود. با این حال روند جاری به صورت مداوم، دگرگون می‌شود و تغییرات زیادی اعمال می‌گردد.

در این بین یکی دیگر از مسائل موجود، بی‌نظمی، سردرگمی و ناتوانی در هماهنگی و یکسان شدن عناصر گروهک‌هاست. هریک از گروهک‌ها یا عناصر آنها می‌توانند به هر دو طرف وفادار باشند و همین‌طور اخبار هجوم‌های

موفقیت‌آمیز را به نام خود ثبت و اعلام نمایند. با این حال میان انواع و اقسام رویدادهای متنوع در مورد گسترش انواع فریب‌ها، اغواگری‌ها و گمراهی‌های مرتبط با طرفین، باید بیشتر بررسی صورت گیرد؛ زیرا از این قسم امور بین گروه‌ها به وفور دیده می‌شود. همچنین در سوریه روش‌های مختلف جنگ روانی به کار گرفته می‌شود. بنابراین تجزیه و تحلیل شرایط به شدت سخت و پیچیده شده است. در سوریه، تندروها، گروه‌های تروریستی تحت حمایت القاعده، میانه‌روها، گروه‌های پیکارجو، سکولارها، احزاب سیاسی و ائتلاف‌ها به صورت دائم و بی‌وقفه، پیام‌های مختلف با یکدیگر مبادله و تعمداً ناظران بیرونی را با مناظر گوناگون و متضادی روبه‌رو می‌کنند.

یکی از تضادها و تفاوت‌های کلیدی بین داعش و جبهه النصره این است که جبهه النصره آشکارا تلاش و تمایل دارد خود را گروهی سرشناس جلوه دهد که افراد با فرهنگ و خیرخواهی را از میان شهروندان سوریه به خود جذب و جلب کرده است. جبهه النصره، مؤسسه رسانه‌ای موسوم به «خبرگزاری اخبار انسانی» ایجاد کرده که درباره امور اجتماعی و دعوت از شهروندان برای حمایت از این گروه، فعالیت فرهنگی می‌کند. استراتژی این گروه را در مناقشه سوریه می‌توان سنجیده و محتاط‌تر از داعش تلقی کرد.

اتخاذ چنین سیاستی توسط این گروه سبب شده است که شهروندان سوری از اعضای آن تنفر کمتری نسبت به داعش داشته باشند. جبهه النصره سعی می‌کند به مراکز جمعیتی حمله نکند و عملیات خود را با حداقل تلفات شهروندان اجرا کند. آنها معمولاً از بیانات فرقه‌ای به شدت پرهیز می‌کنند و هیچ وقت از اسامی مستعار استفاده نمی‌کنند؛ زیرا چنین امری برانگیزنده تضاد میان سلفی‌هاست و باعث جلب حمایت‌های مردمی و جذب نیروهای جدید می‌شود.

در حالی که جبهه النصره در ترکیب خود تعداد زیادی از جنگجویان خارجی

را دارد، با آنها مثل شهروندان محلی سوریه رفتار می‌کند؛ در حالی که مردم سوریه، داعش را «اشغالگران خارجی» می‌نامند. استراتژی داعش با جبهه النصره متفاوت است. داعش استراتژی استیلا و کشورگشایی دارد و برای این گروه، قلوب و عقل مردم تحت سلطه، مسئله مهمی محسوب نمی‌شود. هدف نهایی داعش، ایجاد خلیفه پان عربی و به کنترل در آوردن همه چیز و همه جا بدون قید و شرط است. آنها با تمام کسانی که سر راه‌شان باشند، بی‌رحمانه و سخت‌گیرانه رفتار می‌کنند؛ در حالی که جبهه النصره موفق به کسب احترام شده و تلاش می‌کند بین مردم جایگاه مطلوبی داشته باشد. همچنین جبهه النصره روابط مسالمت‌آمیز و خیرخواهانه را ترجیح می‌دهد و حتی با گروه‌های معتدل مخالفان در نبرد علیه دولت قانونی سوریه نیز همکاری‌های جدی دارد. در این بین بخش اعظم توان و انرژی داعش صرف کنترل اراضی و اداره امور دولتی می‌شود. این امر برای داعش مبارزه با دولت اسد ارجحیت پیدا کرده است.

با این حال جبهه النصره نیز دارای چهره‌ای منفی میان مردم سوریه است. نام و شهرت منفی جبهه النصره به دلیل ارتباط ایدئولوژیکی با القاعده و همکاری مشترک با داعش بوجود آمده است. تا آوریل ۲۰۱۲ جبهه النصره به صورت ظاهری با القاعده همگام بود و در دسامبر ۲۰۱۲، این گروه در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی ایالات متحده آمریکا قرار گرفت.

تفرق و انشعاب در صفوف افراطی‌ها، تهدید و خطری در کانون مدیریتی آنها محسوب می‌شود؛ در حالی که گروه‌های معتبر و با نفوذ، با اتکا به باورهای راسخ، به این طرف و آن طرف متمایل نمی‌شوند. سایر گروه‌های تروریستی سوریه از جمله «جبهه النصره سوریه»<sup>۱</sup> و گروه «احرار الشام» می‌توانند در اوضاع اجتماعی، تأثیر تخریبی داشته باشند.

پس از بروز اختلاف آشکار بین داعش و جبهه النصره در آوریل ۲۰۱۳، «احرار الشام» با «جبهه النصره» سوریه تجدید عهد کرد. پس از آن گروه احرار الشام، بیانیه‌ای بدون امضا و مجهول از رهبر خود «شیخ حسان عبود ابوعبدالله الحموی» منتشر کرد. این اقدام را می‌توان به عنوان مانوری تلقی کرد که جهت افزایش وجهه جبهه النصره انجام گرفت. سفرهای بین‌المللی و فعالیت‌های رسانه‌ای حسن عبود، اعتبار و نفوذ «جبهه النصره» را ارتقا بخشید و نمایش این مسئله مهم که از حمایت‌های بلاواسطه بازیگران خارجی برخوردار است، موفقیت این گروه را بهبود بخشید.

### ج) ظهور گروهک‌ها

هنگام بررسی راهبردهای عملیاتی داعش، لازم است رشد، توسعه و تأثیر نفوذ سایر گروهک‌ها در منطقه نیز بررسی شود. این مسئله نه تنها در مناقشه سوریه، بلکه در گسترش گروه‌های تروریستی در عراق نیز بسیار مهم است.

بی‌تردید القاعده نقش مهمی در بحران عراق داشت و این کشور را تا مرز فروپاشی پیش برد. القاعده پس از ضرباتی که در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ خورد، اوضاع خود را تا حدی سامان داد. در سال ۲۰۰۷ که القاعده در عراق حمایت‌های خارجی خود را از دست داد، به اجرای عملیات‌های تروریستی و انتحاری روی آورد تا مجدداً حمایت‌های قبایل سنی را جلب کند.

از سوی دیگر میان نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق، و قبایل سنی فاصله ایجاد شده بود و این مسئله سبب شد که داعش بتواند حمایت برخی از قبایل سنی را جلب کند. اگر قبایل سنی در آن شرایط هوشیارانه عمل می‌کردند، می‌توانستند در عراق آرامش نسبی برقرار کنند.

اما اوضاع به نحوی پیش رفت که شورش در استان الانبار در غربی‌ترین بخش

قلمرو عراق افزایش یافت. در این استان، سنی‌ها از حیث جمعیت برتری مطلق دارند. آنها خواستار آزادی زندانیانی بودند که تصور می‌کردند بدون جرم مشخصی در بازداشتگاه‌های عراق به سر می‌برند. همچنین ناراضیان خواستار تغییرات جدی در سیستم امنیتی و قضایی عراق بودند و ادعا می‌کردند که سیستم‌های امنیتی و قضایی این کشور نسبت به سنی‌ها غیرعادلانه عمل می‌کنند. اوایل دسامبر ۲۰۱۲ آنها نسبت به دستگیری محافظان وزیر دارایی و مالی عراق، رافع العیساوی سنی‌مذهب و همچنین توهین و تحقیر هنگام دستگیری زنان توسط نیروهای امنیتی اعتراض کردند. هزاران معترض به خیابان‌های رمادی و فلوچه، دو شهر بزرگ استان الانبار، آمدند و به مخالفت با اقدامات دولت علیه سنی‌ها پرداختند. دامنه تظاهرات معترضان به سایر مناطق سنی‌نشین عراق کشیده شد و حتی مناطق شیعه‌نشین با درک موضوع، تحت تأثیر قرار گرفتند. شخصیت‌های روحانی شیعه به خصوص روحانی با نفوذ و صلح‌جو، آیت‌الله علی سیستانی، رسماً خواستار رفتار عادلانه دولت با سنی‌مذهب‌ها شدند و رهبران قبایل شیعه با نمایش تظاهرات اعتراضی، همبستگی خود را با سنی‌ها ابراز کردند.

نوری مالکی در اولین واکنش خود خواستار پایان ناآرامی و تظاهرات شد و سپس در ژانویه ۲۰۱۳ دستور داد مسئله زندانیان و بازداشت‌شدگان سنی بررسی و افراد بی‌گناه آزاد شوند. در پی این دستور بیش از ۳۰۰۰ نفر از زندان آزاد شدند. اما معترضان این تدابیر دولت را صحنه‌آرایی و عوام‌فریبی تلقی کردند. عدم اطمینان و درک متقابل باعث بروز ناآرامی‌های جدید شد و بی‌اعتمادی به دولت، به سرعت گسترش یافت.

اطرافیان و شخصیت‌های رسمی دولت نوری مالکی مسئله را شبهه‌انگیز و مشکوک دانستند. اردوگاه معترضان که در شهر رمادی بود با ساماندهی جبهه سنی‌ها، جنگجویان و سیاستمداران مخالف دولت عراق را بسیج و هدف خود را

سرنگونی دولت یا تهیه ملزومات برای کسب استقلال و تشکیل دولت خودمختار سنی در این منطقه بیان کرد. در همان زمان زمزمه‌هایی پدیدار شد که سنی‌ها تلاش می‌کنند با شورشیان سنی‌مذهب مخالف دولت بشار اسد در سوریه متحد شوند و علیه دولت عراق، عملیات اجرا کنند.

در آن زمان داعش واکنش نشان داد و اعلام کرد که القاعده عراق بخشی از «دولت اسلامی عراق و سوریه» است. این واکنش، تهدیدی بالقوه برای دولت نوری مالکی محسوب می‌شد و می‌توانست به فروپاشی و تجزیه قلمرو عراق بینجامد. به این ترتیب تشکیل گروه جدید سنی‌های معترض، همگام و موازی تلاش مالکی برای کنترل اوضاع صورت گرفت. نوری مالکی و معاون سنی‌مذهب او، صالح مطلق، در پارلمان مشغول بررسی و طرح اصلاحات و تنظیم لایحه‌ای بودند که رضایتمندی مردم سنی‌مذهب عراق را برآورده سازد، اما این لایحه به علت مخالفت فراکسیون‌های شیعه و سنی در مجلس، به تصویب نرسید. به تبع این امر، اوضاع وخیم‌تر شد و دولت، تظاهرکنندگان را شورشیان اخلاص‌گرا نامید و تهدید کرد که اقدامات سرسختانه‌ای در انتظار آنهاست.

برخوردها و درگیری‌های جدی، زمانی شروع شد که نیروهای ارتش عراق، اردوگاه شورشیان را در شهر رمادی درهم کوبیدند. این اردوگاه در طول مدت یک‌سال بنا شده بود. واکنش نظامی و مقتدرانه دولت عراق در رمادی، که با اعمال زور همراه بود، باعث بروز مشکلاتی شد. پس از آن نوری مالکی در حالی که تلاش می‌کرد اوضاع را کنترل کند، به نیروهای امنیتی دستور ترک شهر را داد، اما این امر باعث تقویت و تمرکز شورشیان و فعال‌تر شدن آنها شد؛ به نحوی که گروه‌های مسلح سنی وارد شهر شدند و مراکز پلیس امنیتی را به کنترل خود در آوردند. آنها شهر را سنگربندی کردند و علیه نیروهای دولتی موضع گرفتند. روز بعد، دولت عراق با پی بردن به اشتباه خود تلاش کرد کنترل شهر را مجدداً به

دست آورد، اما داعش که در آن هنگام، اقدام به تشکیل فرماندهی واحد کرده بود، حمله نیروهای امنیتی را دفع کرد. داعش حتی موفق شد مناطق مرزی فلوجه و الانبار را به کنترل خود در آورد. علاوه بر این امکانات لازم برای تردد از مرزهای عراق و سوریه را تأمین و آزادانه با شورشیان و تروریست‌های سوریه ارتباط برقرار کرد. این اوضاع، امنیت داخلی عراق را مبهم‌تر کرد؛ به نحوی که دولت عراق با مراجعه به رهبران شیعه و سنی و همچنین شیوخ و بزرگان قبایل، آنها را به مقابله با تروریست‌ها دعوت کرد و از آنان خواست برای پاکسازی شهرها از وجود جنگجویان داعش، به دولت عراق کمک کنند.

روز ۲۳ آوریل، نیروهای امنیتی عراق در پاسخ به کشته شدن یکی از سربازان خود، اردوگاه شورشیان در شهر هویجه واقع در ۱۵۰ مایلی شمال بغداد را درهم کوبیدند. در این عملیات بنا به اظهارات اشخاص رسمی عراق، بیش از ۵۱ نفر از شهروندان این کشور کشته شدند. نبرد خونین به مدت یک هفته ادامه یافت که در نتیجه آن بیش از ۲۰۰ نفر شامل شهروندان غیرنظامی و شبه‌نظامیان از بین رفتند. به این ترتیب فهرست اسامی کشته‌ها در عراق به شدت افزایش یافت و میزان تلفات بیشتر از سال ۲۰۰۸ شد.

با افزایش نگرانی‌ها، ناامنی‌ها و آشوب‌ها، معترضین در شهر الانبار اقدام به ایجاد نیروهای مسلح قبیله‌ای کردند. آنها خود را آماده کرده بودند تا در صورت حمله نیروهای امنیتی دولت، به دفاع و مقابله بپردازند. ۳۰ آوریل، هم‌زمان با انتخابات سراسری عراق، هرج و مرج از الانبار به همه مناطق سنی‌نشین عراق گسترش یافت و انتخابات را در این مناطق با مخاطره مواجه کرد. این امر باعث شد بین گروه‌های مختلف سنی، القاعده و فراکسیون سنی پارلمان، اختلاف پدید آید و شورش به شدت گسترش یابد. در چنین اوضاعی، ۲۱ دسامبر نوری مالکی به ارتش عراق دستور حمله به اردوگاه آموزشی داعش را صادر کرد. این اردوگاه



در شهر الانبار قرار داشت. حمله ارتش به این شهر با شکست روبه‌رو شد و ارتش عراق ۲۴ سرباز از جمله فرمانده لشکر ۱۷ خود را از دست داد.

۲۸ دسامبر، نیروهای ضد تروریستی عراق «احمد الالوانی»، یکی از نمایندگان مجلس از شهر رمادی را دستگیر کردند. وی به جرم اقدامات تروریستی دستگیر شد. در آن عملیات، برادر و ۵ نفر از محافظان او کشته شدند، اما خود الالوانی دستگیر شد. گام بعدی دولت عراق اعزام نیرو برای پاکسازی اردوگاه اصلی شورشیان سنی در الانبار بود که مرکز اصلی شورشیان محسوب می‌شد. دستگیری الالوانی، واکنش سریع و چرخش مجدد گروه‌های سنی را در پی داشت. پس از آن، دسته‌های مسلح القاعده در خیابان‌های شهرهای فلوجه و الانبار مراسم رژه برگزار کردند. پیام شیخ عبدالله مالک السعدی را که در سایت «مؤسسه مطالعات جنگ»<sup>۱</sup> آمده است، می‌توان برای آن دوره فوق‌العاده قلمداد کرد: «شما ای قهرمانان فلوجه و سایر شهرهای عراق، راه‌ها را مسدود کنید و اجازه ندهید نیروهای مالکی به برادران شما دست یابند و آنها را در قلب الانبار به دام اندازند. مالکی قصد دارد همه کسانی که حکومت او را قبول ندارند، از بین ببرد. او با استفاده از کلمه «ضد تروریسم» می‌خواهد مردم را به هلاکت برساند.»

دستگیری الالوانی و تلاش دولت برای انهدام اردوگاه تروریست‌ها، قبایل قدرتمند سنی را در الانبار متحد کرد و دولت ناگزیر شد به نیروهای ارتش دستور تخلیه شهرهای فلوجه و الانبار را صادر کند؛ در حالی که معلوم بود در نتیجه خروج ارتش، داعش آنجا را به کنترل خود در خواهد آورد.

در این بین ایالات متحده آمریکا برای تقویت عملیات‌های نظامی اعلام کرد که تسلیحات لازم را در اختیار دولت عراق خواهد گذاشت. جو بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا با نوری مالکی مذاکراتی انجام داد که در چارچوب آن،

طرفین موافقت کردند ایالات متحده آمریکا تسلیحات تکمیلی در اختیار ارتش عراق بگذارد. از جمله این تسلیحات هواپیماهای بدون خلبان جاسوسی، ۱۰ فروند «اسکن ایگل»<sup>۱</sup> و ۴۸ «راوین»<sup>۲</sup> و نیز موشک‌های «هل فایر»<sup>۳</sup> بود. با این حال پس از آنکه مالکی اعلام کرد بازگشت مجدد نیروهای آمریکا به عراق ممکن نیست، آمریکا از ارسال تسلیحات سر باز زد. در این بین فقط ایران بود که به حمایت و کمک تسلیحاتی به دولت عراق پرداخت.

### ۳. مخالفان اصلی داعش

#### الف) سابقه رویارویی و تقابل گروه‌ها

گروه‌های رادیکال و تندرو که در سوریه و عراق مقابل هم قرار گرفتند، با توجه به عملکردشان هر یک تعاریف و توصیف مختص به خود دارند. داعش عموماً معیار و ملاک رفتار خود با سایرین را نسبت به حمایت ایالات متحده آمریکا و دولت عراق و قبایل از آنها در سال ۲۰۰۶ مقایسه می‌کند؛ زیرا به عقیده آنها ممکن است آنچه در سال ۲۰۰۶ روی داد، بار دیگر در همان ابعاد روی دهد. مخالفان داعش در رویدادهای سوریه، وضعیت مردم سوریه را به خوبی مشاهده می‌کنند. مردم سوریه علیه داعش قیام کرده‌اند و آنها را اشغالگران خارجی می‌نامند. فرماندهی شورشیان در حلب درباره شش ماه جنگ میان گروه‌های تندرو می‌گوید: «جنگی که در آن گروهک‌ها علیه داعش از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند، باعث شد این گروه به قدری در معرض حملات گروه‌های دیگر قرار گیرد که بر اثر تلفات زیاد، ضعیف شود».

یازدهم جولای، مرگ «کمال حمامی»، فرمانده میدانی داعش، در لatakی، سر و

1. Scan Eagle

2. Raven

3. Helfire

صدای زیادی ایجاد کرد و تمام رسانه‌ها تبلیغات وسیعی راه انداختند. او عضو «شورای عالی نظامی داعش» بود که به «ستاد عالی» نیز مشهور است. شورا در سال ۲۰۱۲ توسط مخالفان سوریه و با حمایت حکام و پادشاهان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تأسیس شد و هدف آن، متحد و یکپارچه کردن نیروهای نظامی بود. ترکیب شورا مرکب از ۳۰ عضو انتخابی است که هر شش نفر از پنج جبهه جنگی توسط ژنرال سلمان ادریس فرماندهی می‌شوند. «شورای عالی نظامی» قصد داشت نمونه نیروهای مسلح ارتش ملی آینده باشد یا ارتشی که قرار بود بعد از براندازی دولت اسد، تشکیل شود و سازمان یابد. کمال حمادی در دوران حیات خود یکی از شش نماینده جبهه غرب و مرکزی تلقی می‌شد. او هم‌چنین نظارت بر کمیته مالی را عهده‌دار بود.

با این حال پس از مدتی، رسانه‌های گروهی ناگهان از بروز تیرگی در روابط گروه‌های تروریستی خبر دادند. کمتر از یک هفته بعد از مرگ کمال حمادی، اطلاعات و اخبار درباره او از عناوین و سرخط خبرها به طور کلی کنار رفت و دادگاه شریعت، تحقیقات در مورد او را آغاز کرد.

تابستان سال ۲۰۱۳، داعش پس از اتمام تعیین حدود و انفکاک با جبهه النصره، شروع به تصرف و تحت کنترل درآوردن اراضی سایر گروه‌ها کرد و از پیشنهاد حکمیت و داوری برای مصالحه و جست‌وجوی راه‌حل صلح و سازش امتناع ورزید. سازش‌ناپذیری داعش باعث شد حتی گروه‌های علاقه‌مند به آن مثل گروه سلفی احرار الشام - که به شدت پای‌بند ممنوعیت مناقشه و اختلاف بین شورشیان است - از آنها روی گرداند. در ابتدا نزاع جسته و گریخته صورت می‌گرفت، اما در پاییز باندهای مسلح داعش به مبارزه با سایر گروه‌های شورشی پرداختند. این امر موجب شد بخش اعظم گروه‌های شورشی بنیادگرا، ناخشنودی خود را از «داعش» آشکار سازند. بنابراین درگیری میان داعش و سایر گروه‌ها موجب شد که روابط

آنها به سرعت تخریب گردد. از جمله گروه‌های اسلامی که بین گروه‌های ائتلافی می‌توان از آن یاد کرد «جبهه النصره» است. رویارویی آشکار میان آنها زمانی شروع شد که فعالان سوریه به تظاهرات علیه ابو رایان پرداختند. ابو رایان یا دکتر حسین سلیمان فرمانده «احرار الشام» در شهر تل البیض استان رقه بود که سوم ژانویه به وسیله داعش در شهر مکانه واقع در شرق حلب، اعدام شد. رهبر «احرار الشام»، حسن عبود، از رهبران سیاسی «جبهه النصره» که قبل از این لحن غیر نظامی داشت، بعد از مرگ ابوریان در تویتر اعلام کرد: «من نمی‌دانم این چه مذهبی است که مجاهدان و انقلابیون را می‌ریابند و به هلاکت می‌رسانند؟!»

#### ب) گروه‌های اصلی که با داعش می‌جنگند

در طول پاییز و زمستان که تعدادی از گروه‌های شورشی سیاسی و نظامی سازماندهی شدند، ابتدا تمام گروه‌ها علیه داعش و گروه جبهه النصره متحد شدند. برخی از گروه‌ها اختلاف عمیق ایدئولوژیکی و سیاسی داشتند. در آغاز از کانال‌های تأمین مالی و واگذاری تسلیحات صحبت نمی‌شد و این گونه بحث‌ها معمولاً پوشیده و پنهان می‌ماند، اما با ایجاد ائتلاف‌های مرحله‌ای، گروه‌ها وارد مرحله نظامی شدند. مهم‌ترین گروه‌ها عبارت‌اند از:

۱. جیش الاسلام: عمدتاً در دمشق عمل می‌کند و در ۳۰ سپتامبر اعلام موجودیت کرد.
۲. امجد الشام قطری: ۴ اکتبر در دمشق اعلام موجودیت کرد.
۳. «پست فرماندهی دمشق بزرگ»: ۶ نوامبر در دمشق اعلام موجودیت کرد.
۴. «جبهه النصره» (فراملی): در ۲۲ نوامبر اعلام موجودیت کرد.
۵. اتحاد اسلامی امجد الشامی: ۲ دسامبر اعلام موجودیت کرد.
۶. «جبهه انقلابیون سوری»: در ادلب و حماء ۲ دسامبر اعلام موجودیت کرد.

۷. ارتش (جیش) المجاهدین: ۳ نوامبر در حلب و ادلب اعلام موجودیت کرد.

مراکز و ستادهای مصلحت‌اندیشی و مشاوره‌ای شورشیان با علم به جدایی گروه‌های جنگجوی رادیکال و عمل در محورها و مناطق معین و همین طور سایر جنبش‌های سوری، ضمن تقویت ویژگی‌های اسلامی خود، سعی داشتند به صورت مستقل وارد عمل شوند. این موضوع در خصوص حمایت و پشتیبانی غربی از «ائتلاف ملی انقلابیون سوریه» نیز مصداق داشت.

تغییر سازمان جنبش‌های اپوزیسیون را حتی می‌توان عکس‌العمل آنها در قبال ابتکار روسیه و آمریکا در مسئله تسلیحات شیمیایی سوریه ارزیابی کرد. ابتکاری که اعتراض شدید و مخالفت عربستان سعودی و سایر مخالفان دولت سوریه را در پی داشت. این امر باعث شد که مخالفان دولت سوریه، ائتلاف نوینی را ایجاد کنند که از طریق فشارهای منطقه‌ای و حمایت مالی کشورهایی همچون عربستان سعودی، قطر و سرمایه‌های شخصی اشخاص مختلف از کویت، دور جدیدی از تحولات را رقم بزنند.

#### – جبهه انقلابیون سوریه

جبهه انقلابیون سوریه با تعدادی از گروه‌های مخالف دولت متحد شده است و در اغلب اراضی سوریه عملیات اجرا می‌کند، ولی کانون عملیات رزمی آنها در استان‌های ادلب و حما متمرکز است. جبهه انقلابیون سوریه در ژانویه نامه‌ای برای داعش نوشت که در آن از داعش خواست به عهد خود در مورد «مشت آهنین» پای‌بند بماند و هر کس را که مانع جریان انقلاب است با ضربه مشت آهنین خود روبه‌رو نماید.

از شخصیت‌ها و رهبران این اتحاد می‌توان به جمال معروف، مسئول اجرای عملیات‌های منطقه‌ای جبل الزاویه و ادلب اشاره کرد. گروه‌های وارد در ترکیب این

جبهه، به شدت به احکام شریعت پایبند هستند ولی در این میان مسائل ایدئولوژیکی در جبهه انقلابیون سوری نقش اساسی ندارد. بنابراین چنین شرایطی سبب شده است تا آنها بین گروه‌های معرض دولت سوریه به عنوان سازشکار و سوداگر لقب گیرند. گروه جبهه انقلابیون سوریه در بهترین شرایط سازشکار و در بدترین شرایط سکولار یا آمیخته‌ای از تفکرات سکولاریستی است.

جمال معروف و متحدان او در جبهه به عربستان سعودی و سایر امیرنشینان خلیج فارس نزدیک هستند و بنا به ادعای برخی از منابع، این گروه دارای شورای عالی نظامی است که در رأس آن آمریکا و کشورهای عربی خلیج فارس قرار گرفته‌اند. گروه جمال معروف با جبهه النصره ارتباط ضعیفی دارد و جبهه النصره نیز شورای عالی نظارت را به رسمیت نمی‌شناسد، اما رویارویی دو جبهه باعث شد که در ماه‌های سپتامبر و دسامبر بین آنها توافق‌نامه صلح امضا شود.

#### - جیش المجاهدین

جیش مجاهدین عموماً در حلب و حوالی آن عملیات اجرا می‌کند و مشتمل بر گروه‌های زیر است:

۱. گردان نورالدین الزنگی؛<sup>۱</sup>

۲. تیپ انصار؛<sup>۲</sup>

۳. تیپ آزاد اسلامی؛<sup>۳</sup>

۴. تیپ امجد الاسلام؛<sup>۴</sup>

۵. تیپ انصار الخلیفه؛<sup>۵</sup>

1. Noareddin al - Zangi Battalians

2. Ansar Brigade

3. Islamic Freedom Breigade

4. Amjad Al-ilsn Brigade

5. Ansaral- Khelifa Brigade

۶. تیپ جند الحرمین؛<sup>۱</sup>

۷. حرکت اسلامی نور؛<sup>۲</sup>

۸. سایر گروه‌های کوچک.

طبق اعلام رسمی، استعداد «ارتش مجاهدین» بیش از ۵۰۰۰ نفر است. برخی از گروه‌های یاد شده با انتشار اعلامیه‌ای با ژست اسلامی تلاش زیادی مبنی بر ورود به ترکیب جبهه‌النصره کردند اما در نهایت نتوانستند در لیست نهایی اعلام‌شده در ۲۲ نوامبر قرار گیرند. بقیه نیز وابسته به گروه القاعده هستند. گروه سوم از این شورشیان با «اخوان المسلمین» مرتبط‌اند؛ هرچند پس از درگیری داعش با سایر گروه‌ها در سوریه، «ارتش مجاهدین» نیز نسبت به هواداران داعش اعلان جنگ کرد و بیش از صدها تن از اعضای داعش را به اسارت گرفت، اما آنها تمام اتهامات مبنی بر انجام اقدامات نظامی را به طور کلی انکار کردند.

#### – جبهه‌النصره

جبهه‌النصره مواضع جنگی چشم‌گیری ندارد و کسانی که وارد ترکیب این گروه می‌شوند، سیاست‌های مختلفی دارند. رئیس جبهه‌النصره نیز اعضا را موظف به پیروی از خط‌مشی خاصی نمی‌کند. آنها در رویارویی بین داعش و گروه‌های احرار الاشام نیز مشارکت نکردند. هرچند در گزارش‌های درگیری، نام این گروه هم وارد شده بود، ولی بعدها معلوم شد گزارش مربوط به گروه جبهه انقلابیون سوریه و ارتش مجاهدین بوده است. هم‌چنین رهبر جبهه‌النصره با انتشار بیانیه‌ای در حمایت از مخالفان داعش اعلام موضع کرد ولی علیه آنها اعلام جنگ نکرد؛ اما برخی از گروه‌ها در ترکیب «جبهه‌النصره» با داعش در مناطق شمالی ترکیه درگیر شدند. برای مثال واحد مستقر در حلب، «تیپ توحید» داعش را به مرگ بیش از ۱۰ نفر

1. Jund al- Haramain Brigade

2. Islamic Light Movement

از نیروهایش متهم کرد. در میان اعضای که به دست داعش کشته شده بودند، مسئول رسانه‌ای آنها نیز حضور داشت.

حسن عبود رهبر سیاسی «جبهه‌النصره» در این باره به تلویزیون الجزیره گفت: «گروه‌هایی که با داعش می‌جنگند، آنها را می‌شناسند و اتهام آنها علیه داعش عادلانه است؛ زیرا تمام رفتار و کردار داعش جنایتکارانه است.» مثل سایر فرماندهان گروه‌ها حسن عبود نیز معتقد است: «مشکل اساسی این است که داعش عمداً مثل «دولت» عمل می‌کند نه مثل یک گروهک و برخلاف دیگران، موافق حل و فصل مناقشات و اختلافات از طریق گفت‌وگو و مذاکره نیست.» او رهبر داعش را به دلیل فقدان قابلیت‌های سیاسی و انعطاف اجتماعی کاملاً نفی می‌کند: «داعش برخلاف رقیب ایدئولوژیکی خود «جبهه النصره» که هر دو تحت حمایت «القاعده» هستند، قابلیت‌های لازم را برای اداره امور طولانی مدت ندارد و هرگز به اهدافش نایل نخواهد شد.»

اسلام علوش، نماینده دیگر جبهه، نیز لب به انتقاد گشوده و تلاش «داعش» برای هژمونی واحد را این گونه بیان می‌کند: «ما نمی‌پذیریم که جهاد می‌تواند به وسیله یک گروه و به سمت یک گروه متمایل شود و همین طور اجازه نخواهیم داد که چنین گروهی خود را دولت بنامد.» ظهران علوش، یکی از وابستگان اسلام علوش، فرمانده «ارتش اسلام» که زیرمجموعه «جبهه‌النصره» محسوب می‌شود داعش را گروهک مستبد و ظالم می‌نامد. او معتقد است گروهش باید از خود در مقابل نیروهای بغدادی دفاع کند. در ترکیب جبهه‌النصره ارتش اسلام نیز بارها با صدای رسا علیه داعش لب به انتقاد تند گشوده و تمام عملکردهای آنها را بی‌خرदानه قلمداد کرده است.

افزون بر این، حسن عبود اعلام کرده «جبهه‌النصره» در عملیات‌های تهاجمی علیه داعش مشارکت نکرده و از درگیری بین نیروهای انقلابی متأسف است.



حسن عبود در ادامه تأکید می‌کند که با گروه احرار الشام پیوند خورده‌اند؛ زیرا آنها می‌توانند برای خارجی‌هایی که از جنگ به سبک داعش امتناع ورزند، پناهگاه باشند. به اعتقاد آنها چنین حرکتی به جبهه‌النصره امکان خواهد داد تا رسماً از قبول مسئولیت درگیری بین شورشیان پرهیز کنند. علاوه بر این، تاکتیک انتخابی امکان جلب و جذب نیروهای جدید را فراهم می‌آورد و راه موفقیت آتی داعش را کاملاً مسدود خواهد کرد. همین طور نفوذ آنها را بر آن دسته از جهادی‌ها که از قربانی شدن میان اختلافات گروهک‌ها بیم دارند، افزون‌تر خواهد کرد. هم‌چنین گروه‌هایی که از قطع یا فقدان حمایت‌های محلی ترس دارند، جبهه‌النصره را برای خویش پناهگاهی مطمئن خواهند یافت.

#### ۴. گروهک حکومت داعش

از نظر رسانه‌های عربی، بحران سوریه به دلیل درگیری دولت و ارتش سوریه با جبهه نظامی مخالفان شروع شد و با ایجاد «ارتش آزاد سوریه» شدت گرفت. آنها مدام به سمت گروه‌های تروریستی مانند یگان سوریه‌ای «القاعده»، گروهک تروریستی جبهه‌النصره، سوریه‌ای‌های آزاد، جبهه سوریه آزاد و غیره سوق داده شدند. در سال ۲۰۱۳ جراید و رسانه‌های گروهی عربی، اخبار و اطلاعات تازه‌ای درباره گروهک دولت اسلامی عراق و شام منتشر کردند و به اختصار این گروهک را «داعش» نامیدند. اهداف و مقاصد این گروهک تاکنون مفهوم واحد و مشخصی نداشته، اما شعار آن، ایجاد خلافت اسلامی در قلمرو عراق و سوریه بوده است. تمام گروه‌های ذکرشده، از جمله ارتش آزاد سوریه، خود را پیرو ایدئولوژی اسلامی می‌نامند. بیش از ۲۵ نشریه عربی نیز مبانی و ایده‌های هرکدام از گروه‌ها را تبلیغ می‌کنند. هر یک از این گروه‌ها مدعی هستند اراضی بیشتری را در اختیار دارند. این گروه‌ها دیدگاه‌های خود را از طریق همان ۲۵ نشریه ابراز می‌دارند.

## الف) مطبوعات و رسانه‌های هوادار سوریه

نشریه عراقی «المسئله» می‌نویسد: «القاعده در فیس‌بوک از کشورهای عربی می‌خواهد «داعش» را در جهان عرب به عنوان یک دولت مستقل مسلمان به رسمیت بشناسند.» نشریه «الحوار» نیز با طرح مطالب همگام و موازی بین تاریخ و علل تشکیل داعش و اسرائیل تأکید می‌کند: «هر دو جریان یعنی ایجاد داعش و اسرائیل با کمک غرب صورت گرفت و هر دو فاقد مرز رسمی بوده‌اند. هم داعش و هم اسرائیل از حیث اعتقادات مذهبی بنیادگرایانه عمل کرده و از این نظر در تضاد و تفاوت با دیگران بوده‌اند؛ به طوری که همه اعراب را دشمنان خود قلمداد و روابط محکم با ترکیه را حفظ کرده‌اند. گروه‌های سلفی — وهابی نظیر «القاعده»، داعش، جبهه النصره، ارتش اسلام، نوه‌های پیامبر، ارتش مجاهدین سوری‌های آزاد و... که علیه سوریه وارد جنگ شده‌اند، همگی توسط بندر بن سلطان حمایت می‌شدند.»

نشریه کانادایی میدل ایست پانورامن<sup>۱</sup> قصد بندر بن سلطان را در حمایت از این گروهک موازی و همگام با اسرائیل و غرب اعلام کرده است. این نشریه با طرح پرسش در این زمینه می‌نویسد: «چرا این گروهک‌ها در قلمرو و اراضی عربستان سعودی نمی‌جنگند؟ یا چرا این گروه‌ها در سایر کشورهای سلطنتی و پادشاهی منطقه دست به قیام علیه پادشاهان مستبد و ارتجاع عربی خلیج فارس نمی‌زنند؟» نشریه الدیار که هوادار دولت سوریه است و در لبنان منتشر می‌شود، در مقالات مفصل و مبسوط می‌نویسد: داعش از «الف» تا «ی» گروهی مسلح است که تمام ویژگی‌های تروریست‌های مسلح را دارد. «ایسن روزنامه در عین حال به استناد نشریه میدل ایست پانورامن ادامه می‌دهد: «تروریست‌های داعش، گروهک‌های سلفی فعال در اراضی سوریه و عراق هستند که با شعار و اهداف

ایجاد حکومت و احیای خلافت اسلامی فعالیت می‌کنند، اما نتیجه عملکردشان متضاد با شعارشان است و هیچ تردیدی نیست در جهت خلاف مصالح اسلام و مسلمین تلاش می‌کنند. این نشریه تأکید می‌کند: «تشکیل گروهک در سطوح مساوی و برابر، هم به دولت سوریه و هم به القاعده نسبت داده می‌شود اما گروهک «جامعه واحد و جهاد»، به رهبری ابومصعب الزرقاوی در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد. در اواخر سال ۲۰۰۶ گروهک رسماً برای خود نام دولت اسلامی عراق و شام را برگزید و رهبر گروه ابوالعمر البغدادی شد. زمان حمله ایالات متحده به عراق، این گروهک با تکیه بر القاعده، علیه اشغال آمریکا دست به عملیات‌های رزمی زد و با این اقدام موفق به جلب و جذب نیروهای جوان و داوطلب عراقی شد.»

همچنین در سال ۲۰۰۶ گروه شورای مجاهدین اعلام وجود کرد. رهبری این گروه به عهده عبدالرشید البغدادی بود. چند روز پس از این ماجرا زرقاوی به هلاکت رسید و ابوحمزه المهاجری که مصری‌الاصل (ابوایوب المصری) بود، رهبر القاعده عراق شد. در سال ۲۰۱۰ که در نتیجه حمله آمریکایی‌ها ابوالعمر البغدادی به هلاکت رسید، ابوبکر البغدادی به عنوان فقیه و عالم دینی عراق، جانشین وی شد. او با استفاده از بحران در سوریه، علیه دولت این کشور اعلام جنگ کرد و نیروهای خود را با شعار پیروزی سنی‌ها در سوریه وارد شرق قلمرو این کشور نمود.

در اواخر سال ۲۰۱۱ القاعده با هویت جبهه النصره در اراضی سوریه ظهور کرد. بعدها جبهه النصره اعلام کرد با القاعده افغانستان همبستگی نزدیکی دارد و در واقع یکی از شاخه‌های اصلی آن محسوب می‌شود. سرویس‌های جاسوسی کشورها و رسانه‌های گروهی نیز به ارتباط میان جبهه النصره و داعش پرداختند. در آوریل ۲۰۱۳ که ابوبکر البغدادی اعلام کرد دو گروه جبهه النصره و داعش متحد

شده‌اند، تاریخ داعش از همین نقطه شروع شد. برخی معتقدند رهبر جبهه النصرة حفظ ارتباط با داعش را رد یا تکذیب نکرد ولی به صراحت بیان کرد که درباره اعلامیه ابوبکر البغدادی چیزی نشنیده است و از چنین اتحادی نیز امتناع ورزید.

نشریه میدل ایست پانورل من سؤال دیگری نیز طرح کرده است: «چرا داعش ناگهان پس از حمله شیمیایی غوطه شرقی سوریه، ظاهر شد؟»

پیش از این ارتش سوریه و حزب الله لبنان شهر قُصیر را از دست گروهک‌ها آزاد کرده بودند. در این منطقه اسرائیل تمایل داشت حزب الله را تعقیب و راه ورود تسلیحات ایران و سوریه به لبنان را قطع کند. سقوط قُصیر با تلاش سازمان‌های جاسوسی عربستان سعودی و آمریکا عملی شده بود. این سازمان‌ها با آزاد کردن فرماندهان محبوس القاعده از زندان‌های عراق، لیبی، پاکستان و حمایت از آنها، شهر و مناطق پیرامون قصیر را به تصرف خود در آوردند.

بندر بن سلطان که در آن زمان عنصر و عامل اطلاعاتی — جاسوسی ایالات متحده آمریکا بود، یکی از علل و عوامل ظهور گروهک تروریستی داعش محسوب می‌شود.

نشریه عراقی «آفاق» که هم‌زمان توسط گروه داعش توقیف و تصرف شده بود، تأیید می‌کند این گروهک را عربستان سعودی به رسمیت شناخته بود. نشریه عراقی العراق تایمز نیز که در آلمان منتشر می‌شود، از نظریه سوری‌ها حمایت می‌کند و با ارزیابی تحلیلی به جهت‌گیری فعالیت‌های گروه مذکور به ویژه در مصر می‌پردازد و می‌نویسد: «داعش همه جا عملیات انجام می‌دهد تا جایی که سفارت عربستان سعودی آشکارا اعلام می‌کند فعالیت داعش فقط به سوریه و عراق محدود نمی‌شود.» تفاوت بین داعش و جبهه النصرة از نظر نشریه یمنی الهدات، تطبیق و مقایسه دیدگاه‌های متفاوت آنهاست. دلیل اختلاف بین داعش و سایر گروه‌ها در این است که داعش تلاش دارد هژمونی خود را روی آنها برقرار

کند. بین سایر نشریات مخالفان سوریه، میشل کیلو مسیحی نقل قول می‌کند: «این گروهک (داعش) با رژیم سوریه همکاری می‌کند و آن را به هیچ وجه نباید با جبهه النصره همگون و یکسان دانست. جبهه النصره خود را ملزم به برقراری سیستم انتخاباتی اسلامی می‌داند، ولی عین حال داعش همه را به خلافت اسلامی دعوت و هر که و هر چه را روبه‌روی ایده‌شان قرار گیرد، نابود و ویران می‌کنند.» نشریه طرفدار شیعیان لبنان با استناد به «الخبر پرس» می‌نویسد: «سیاست عادی کردن روابط اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، عربستان سعودی را مجبور کرد که داعش و جبهه النصره را در سایر کشورهای عربی از جمله لبنان، سوریه، مصر و اردن تشکیل دهد تا از اسرائیل حمایت کند و به مسئله فلسطین خاتمه دهند.»

در خصوص داعش و استراتژی نوین آن در منطقه، نشریه میدل ایست پانورامن می‌نویسد: «این گروه تروریستی (داعش) با قصد تشکیل دولت اسلامی به جمعیت بیست میلیون سنی دو کشور تکیه دارد که بزرگ‌ترین نیرو در خاورمیانه به حساب می‌آید. داعش تلاش دارد این دولت را تا برگزاری کنفرانس صلح سوریه در ژنو ۲ اعلام کند. حامی اصلی داعش یعنی عربستان سعودی نیاموخته که شرایط به گونه‌ای دیگر است. عربستان و داعش اوضاع منطقه را به خوبی درک نکرده‌اند؛ زیرا بخشی از سنی‌های منطقه هنوز هم از بشار اسد حمایت می‌کنند. علاوه بر آن، ۶۵ میلیون ایرانی که ۵۰ میلیون آنها شیعه هستند،<sup>۱</sup> هرگز اجازه نخواهند داد چنین دولتی در منطقه ایجاد شود. در غیر این صورت وقوع جنگ بین داعش و ایران قابل پیش‌بینی خواهد شد و چنین تحولات و دگرگونی اوضاع مطابق علایق اسرائیل خواهد بود.»

بنابراین مطبوعات حامی سوریه نظریه مهمی درباره داعش و ظهور و اهداف

۱. آمار این نشریه در خصوص جمعیت و تعداد شیعیان ایران نادرست است، با این حال به دلیل حفظ امانت به همان شکل ذکر شده است.

آن مطرح می‌کنند. آنها داعش را تحت کنترل عربستان سعودی، ترکیه و غرب قلمداد و تأکید می‌کنند حامیان داعش تلاش دارند تا ۲۰ میلیون سنی را که بخشی از مردم جهان عرب به شمار می‌روند، به وسیله داعش در مقابل ایران قرار دهند و این مسئله حتماً باید بتواند امنیت و دفاع از اسرائیل را تأمین کند.

#### ب) مطبوعات مخالف سوریه

نشریه لندننی الشرق الاوسط داعش را قوی‌ترین گروه اسلامی خوانده است که قابلیت مقابله با نیروهای ارتش آزاد را دارد. این نشریه با ترسیم نمودار کمی مرتبط با جنگجویان در قلمرو سوریه به تشریح وضعیت گروه‌های مسلح پرداخته که مطابق اطلاعات ارائه‌شده در نمودار، تعداد جنگجویان و تروریست‌ها در اراضی سوریه (مخالفان) متشکل از ۱۰۰ هزار نفر است که در ۱۰۰۰ گروهک مختلف سازمان یافته‌اند.

#### نموار ترکیبی و استعداد گروه‌های اصلی

۱	گروهک‌های القاعده	۱۲/۰۰۰ - ۱۰/۰۰۰ نفر
۲	گروه‌های اسلامی غیروابسته	۳۰/۰۰۰ نفر
۳	مسلمان اعتدالی مرتبط با سیاست‌های خارجی و تحت حمایت غرب	۴۰/۰۰۰ - ۳۰/۰۰۰ نفر
۴	انقلابیون غیرمذهبی و نیروهای ملی	۲۵/۰۰۰ - ۲۰/۰۰۰ نفر

الشرق الاوسط یادآوری می‌کند: «افزایش نفوذ گروه‌های افراط‌گرای مذهبی به مناطق تحت کنترل دولت سوریه، بیم و نگرانی جامعه بین‌المللی غرب و مخالفان سوریه را در بردارد و آنها را مجبور می‌کند نه تنها در مقابل نیروهای دولت، بلکه در مقابل بنیادگرایی نیز قرار گیرند. با وجود اینکه جریان‌های افراطی اعلام کرده‌اند با دولت اسد دشمن هستند، اما با ارتش آزاد سوریه نیز به جنگ می‌پردازند.»

شرق الاوسط اظهارات «عمر بکری فوستوک» لبنانی سوری‌الاصیل را درباره

منازعه بین داعش و ارتش آزاد سوریه را چنین یادآوری می‌کند: «اول تلاش می‌کنند وارد مناطق آزاد شوند تا در آن مناطق، آموزه‌های افراطی را فراگیر کنند و اقدامات بشردوستانه در آنجا انجام دهند. اینها کارهایی است که ارتش آزاد سوریه انجام نمی‌دهد. آنها روی مبارزه با رقیب و حریف متمرکز می‌شوند. اکثر اعضای داعش خارجی‌هایی هستند که وارد سوریه شده‌اند و به خیال خود، امر جهاد را اجابت کرده‌اند. آنها برای تشکیل دولت اسلامی تلاش و با هر کسی که در این مسیر قرار نگیرد، برخورد می‌کنند. بنابراین با همه کسانی که در راه آنها قرار گیرند، مبارزه خواهند کرد.»

همان‌طور که این نشریه یادآوری می‌کند، روابط میان داعش و جبهه النصره در مرحله منازعه و کشمکش و نفاق قرار دارد.

نشریه الرياض در عربستان سعودی مدعی است: «اگر داعش وجود نداشت، در آن صورت باید آن را تشکیل می‌دادند تا اینکه نوع سرسخت و بسیار بی‌رحم گروه مسلح و تهدیدکننده همگان تجربه می‌شد تا رژیم سوریه بتواند درون و بیرون سرحدات خود را مستحکم سازد ....»

این نشریه عربستانی ادعا دارد که «داعش برای تبرئه و سزاوار نشان دادن مشارکت گروه‌های ایرانی و حزب‌الله در جنگ سوریه، ایجاد شده است.» در آخر مقاله نشریه مذکور به‌طور غیرمنتظره تغییر موضع می‌دهد: «داعش به این معنی نیست که حضور عناصر اطلاعاتی یا اجیرشده دولت اسد در آن حتمی و قطعی باشد، بلکه درون آن گروه، قشرها و افراد مؤمن نیز وجود دارند....»

سایت رسمی ائتلاف ۱۴ مارس لبنان در مورد موافقت پنهانی بین دولت عراق و ایران مبنی بر انتقال ۵۸۵ نفر از زندانیان ابوغریب به اراضی سوریه با هدف تکمیل دستجات گروهک داعش، ادعا کرده که انتقال محبوسان از زندان در مدت

۱۰ دقیقه = زمانی که برق را خاموش کردند عملی شده است.<sup>۱</sup>

نشریه الحیات که در لندن منتشر می‌شود، به مقایسه و تطبیق تاریخ ایجاد و فعالیت‌های داعش و حضور و ظهور حزب در سوریه پرداخته و معتقد است «این دو ساختار از دو منظر متفاوت، ولی مدلی واحد هستند».

العربی، نشریه لندن دیگری، بشار اسد را به کمک به داعش متهم می‌کند و در قالب شواهد از بازجویی اعضای داعش که به اسارت نیروهای ارتش آزاد سوریه درآمده‌اند، مثال می‌آورد. گویا ارتش آزاد تعدادی از عناصر داعش را اسیر کرده و اعترافات آنها را به صورت فیلم ویدئویی در اختیار رسانه‌ها قرار داده است و محتوای آن، اعتراف داعشی‌ها مبنی بر کمک دولت اسد به این گروه است. طبق اظهارات این اسرا، به آنها دستور داده شده بود از گروه جدا شوند و خود را تسلیم دولت کنند. آنها ادعا می‌کنند که فرمانده گروهک داخلی داعش، ابو عناس العراقی از ایران و عراق پول گرفته و مأموریت داشته است تا فرماندهان نیروهای ارتش آزاد سوریه را بر باید و به اسارت خود در بیاورد.

سایت دو زبانه «ALBasra Minbar Al- Iraq AthTair» این مقاله را به عربی برگردانده و با عنوان «چه کسی و با چه هدفی داعش را تشکیل داد؟» منتشر کرده است. در این بحث چندین بار با دلایل مختلف، رژیم سیاسی سوریه به ایجاد این گروهک تروریستی متهم می‌شود. بر اساس این مقاله، داعش مانع فرسایش و استهلاک ارتش دولتی سوریه خواهد شد. در واقع داعش برای جنگ با ارتش آزاد سوریه تشکیل شد. هم‌چنین مقاله در ادامه به این مسئله اشاره می‌کند که چرا داعش در قلمرو عراق حضور یافت؟ خودروهای داعش چگونه به خیابان‌های شهر رمادی نفوذ کردند؟ در حالی که تمام ورودی‌ها و داخل شهر توسط نیروهای ارتش کنترل می‌شدند؟ این مقاله ادعا می‌کند که «ظهور داعش سناریوی ایران و نوری

۱. این ادعا توسط هیچ نهاد رسمی و یا گروه دیگری طرح نشده و فاقد صحت است.



مالکی بوده است. بر این اساس ایران به صورت مخفی داعشی‌های چچنی، پاکستانی، افغانستانی، لیبیایی و غیره را تعلیم و تربیت و به منظور ایجاد نفاق و انشعاب در صفوف مخالفان عراق و سوریه از آنها استفاده می‌کند.»

نشریه لندننی ایست<sup>۱</sup> مدعی است که سازمان اطلاعاتی — جاسوسی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا درباره ارتباط دمشق با داعش آگاهی کامل دارد و به همین دلیل موضع آمریکا تغییر خواهد کرد. این نشریه ادامه می‌دهد با توسعه ساختاری گروهک در مناطق مرزی بین عراق و سوریه، نفوذ آنها روزافزون خواهد شد. مبانی و اصول خلافت اسلامی از اساسی‌ترین اهداف آنهاست و فعالیت‌ها و اقدامات تروریستی به سمت و سوی نیروهای امنیتی و مردم شیعه عراق برای نیل به همین هدف دنبال می‌شود.

سایت رسمی ائتلاف اپوزیسیون لبنانی (آینده) در مقاله‌ای ادعا دارد که: «داعش و حزب‌الله آلت دست اسد هستند.» همین منبع در مقاله دیگر تأکید می‌کند که داعش یک پروژه ایرانی، روسی و عراقی است. این کشورها می‌دانند که ایالات متحده آمریکا با چنین روشی تلاش می‌کند موضع خود را نسبت به آنچه در سوریه می‌گذرد، تغییر دهد تا تحولات سوریه به نفع اسد رقم بخورد. ادعا و اظهارات مشابهی بین مخالفان سوریه نیز قابل ملاحظه است. مطابق اعلام اورینت نیوز<sup>۲</sup> «پس از شکست داعش در مناطق غربی حلب، بین وسایلی که از آنها در خانه‌ها به جا مانده بود، پاسپورت، کارت تلفن و شماره تلفن‌های ایرانی و روسی پیدا شده بود.»

استاندار الانبار عراق طی یادداشتی در سایت خود گفته بود: «از تصمیم ایران و روسیه که داعش را گروهی تروریستی اعلام کرده‌اند، تعجب می‌کنم» او تأکید کرده «از طرف قدرت‌های منطقه‌ای، نیروهایی در حال بازی هستند؛ جایی که ما

1. Elaph

2. Orient News

هیچ چیز را حل و فصل نمی کنیم، بلکه بازیگردان آنها هستند.» او ادامه می دهد: «داعش در عراق درست مطابق علایق و امیال اسد عمل می کند.» در این باره نشریه عراقی «النور نیوز» می نویسد: «آنچه داعش دنبال می کند، تحکیم و تداوم حکومت بشار اسد را در پی خواهد داشت.»

الشرق الاوسط آشکارا اتحادیه سه گانه ایران، حزب الله و القاعده را که با چهره داعش ظاهر شده، مورد اتهام قرار داده و درباره عکس های مربوط به فرماندهان داعش به همراه فرماندهان نظامی - سیاسی سوریه مطالبی بیان کرده است. روزنامه کویتی الاعلام<sup>۱</sup> با استناد به منابع ارتش آزاد سوریه، افکار و اندیشه «همکاری وسیع رژیم سوریه با داعش» را تکرار می کند. این اندیشه ها به ارتش سوریه امکان خواهد داد تا محاصره را بشکند و به موفقیت نائل آیند.

نشریه لندننی العربیه نیز درباره حضور افسران اطلاعاتی سوریه در صفوف گروهک داعش و در مورد دلایل عدم بروز درگیری بین داعش و حزب الله دیدگاه خود را تکرار می کند.

نشریه «Zamanalwsl» متعلق به ائتلاف ملی انقلابیون و نیروهای مخالف دولت سوریه، مصاحبه جانشین رئیس ائتلاف، ناظر عالی اخوان المسلمین سوریه، محمد فاروق طیفور را چاپ کرده که می گوید: ائتلاف چندین بار تلاش کرده با داعش هم در برخی از نواحی ارتش آزاد سوریه مذاکره و گفت و گو کند و چند بار هم موفق به انجام این کار شده و مذاکرات هم موفقیت هایی در پی داشته است و ما امیدواریم آنها به سمت مناطق آزادشده نیایند....»

نشریه لندننی الشرق الاوسط واقعیت های روشن درباره وجود ارتباط بین رژیم سوریه و داعش را پنهان نمی کند و می نویسد: «داعش باید در مناقشه سوریه نقش جدی به دست آورد. اسد مردم سوریه را مجبور کرده است در مقابل خود یکی

از دو گزینه را انتخاب کنند: اسد یا داعش.» با این حال ضمیمه اقتصادی نشریه «Zamanalws1» اخباری مربوط به درگیری خونین ارتش دولت سوریه با داعش در مناطق شمالی کشور را درج کرده است.

سایت «اقتصادی»<sup>۱</sup> در مقاله‌ای دو بخشی با عنوان: «اسم شب... چه کسی داعش را تأمین مالی می‌کند؟» ابتدا تصریح می‌نماید که منابع تأمین مالی گروهک مشخص نیست و در ادامه به تشریح چند مقوله اصلی می‌پردازد:

- بشار اسد و ایران، رسمی و غیررسمی، از طرف حاکمان خلیج فارس، داعش را تأمین مالی می‌کنند که این تأمین مالی، مستقل از محدوده‌ها و سرحدات تحت نفوذ القاعده است.

- نشریه نخستین روایت یعنی تأمین مالی داعش توسط بشار اسد و ایران را کاملاً منطقی ارزیابی کرده اما اطمینان کامل و مستند برای اثبات ایده‌اش نداشته است.

- روایت دوم را نشریه به طور کلی رد کرده است.

- روایت سوم را نیز منطقی ارزیابی و اضافه می‌کند: تأمین مالی داعش توسط تجار مرتبط با القاعده، روش سابقه‌داری است.

شایان توجه است نشریه القدس العربی از چنین دیدگاهی به شدت حمایت کرده است. روزنامه میدل ایست پانورامن، عبدالباری عطوان را به خدمتگزار علایق موساد متهم می‌کند و آخرین احتمال حامی مالی داعش می‌پندارد. این نشریه برای اثبات ایده‌اش حاضر به ارائه دلایل لازم شده و در حمایت از این روایت، واقعیاتی از خرید و فروش نفت در شمال سوریه توسط داعش را ارائه کرده است.

این سایت که انعکاس‌دهنده دیدگاه‌های واحدهای ائتلاف ملی نیروهای انقلابی سوریه است، تلاش می‌کند مخاطبان خود را متقاعد کند که بین نیروهای

افراطی، تعداد زیادی از رزمندگان ایرانی و روس نیز حضور دارند. از نظر این سایت «داعش همانند یک «مین» است که توسط رژیم اسد در صفوف انقلابیون کاشته شده است، به همین دلیل سقوط و سرنگونی اسد، سقوط و فروپاشی داعش را در پی دارد، ولی سقوط داعش تأثیری بر دولت سوریه ندارد؛ بنابراین مخالفان باید برای هدف اصلی تلاش و دولت اسد را سرنگون کنند.»

برخلاف مواضع اتحادیه مطبوعات هوادار سوریه، نشریات مخالف سوریه به سمت فرضیات نتایج حوادث و رویدادهای مختلف که در زمانهای گوناگون به وقوع پیوسته‌اند، سوق داده شده‌اند. غالباً همه آنها به بررسی پروژه داعش پرداخته و آن را حاصل اقدامات سوریه، عراق، ایران و روسیه قلمداد کرده‌اند. سردرگمی و پیچیدگی‌ها در ارائه اخبار حتی در اظهارات برخی از سران اخوان المسلمین سوریه نظیر محمد فاروق طایفور نیز دیده می‌شود که شامل انجام چندین مذاکره موفقیت‌آمیز او با داعش و دیدگاهی درباره تأمین مالی مستقل توسط این گروه و اینکه داعش حتی با القاعده ارتباط مالی ندارد، می‌شود. در مجموع می‌توان گفت مطبوعات ضد سوری عمداً اقدام به ایجاد نوعی تصویر متفاوت از داعش می‌کنند تا افکار عمومی را از حقایق موجود، گمراه سازند.

## ۵. رهبر داعش و تثبیت و تلاش برای از بین بردن او

### الف) رهبر داعش

در اینترنت پیامی از سوی ابوبکر البغدادی در ویدئویی ۱۶ دقیقه‌ای پخش شد. او در خطابه‌اش، خود را امیرالمؤمنین نامید. موضوع نطق او «خدا می‌داند ولی شما نمی‌دانید» بوده است. زیر خطابه بیش از ۷۰۰ مورد اظهارات مختلف به زبان‌های روسی، انگلیسی و عربی قرار داشت که همه آنها در راستای حمایت از البغدادی بود: «شیخ ما همه با تو هستیم ... از اندونزی.» کامنت‌های روسی و عربی تقریباً

در سطحی مساوی بر حمایت از البغدادی تأکید داشت و برخی از آنها دربردارنده مفاهیم نکوهش و ناسزا نسبت به او بود؛ از جمله: «اگر تو مرد هستی، خود را نشان بده و در خفا خودت را پنهان نکن و مثل زنان نباش.» «خدا تو و عناصر و عوامل مسلح تو را نابود کند» «اخباری وجود دارد که البغدادی و الجولانی روابط بسیار نزدیک و دوستانه‌ای داشته‌اند، اما بعدها البغدادی را به خاطر الچچنی رها کرده، چون الچچنی زیستار از البغدادی بود....» «مکار و دروغگو هستی... صحبت‌های تو کلام عوامل اطلاعاتی - جاسوسی اسد است....» «وقتی نه ما تو را خوب می‌شناسیم و نه مستقیم تو را دیده‌ایم، چگونه می‌توانی از ما دفاع کنی؟» «کسی که از این گروه حمایت می‌کند، روز قیامت باید جواب دهد.» «تو امیر یوتیوب در سوریه و عراق هستی....» همچنین بسیاری از کسانی که زیر خطابه البغدادی کامنت گذاشته‌اند، او را جاسوس سوریه نامیده‌اند.

نشریه عراقی مستقل اطلاعاتی - سیاسی «Daulat Al Muatinn» به استناد منابع اطلاعات و امنیت تأکید دارد: «رهبر داعش به وسیله ایالات و متحده آمریکا انتخاب شده و با ارتباط تنگاتنگ با مراکز و عوامل اطلاعاتی - جاسوسی آمریکا و عربستان سعودی عمل می‌کند. در تشکیل و فعال شدن داعش، سفیر سابق آمریکا در بغداد و دمشق، رابرت فورد، نقش اساسی داشته است. به همین دلیل مطبوعات جهان عرب وی را سفیر جنگ‌های خاورمیانه نامیده‌اند.»

نشریه طرفدار دولت سوریه، «جنوب لبنان» اعلام کرد که بندر بن سلطان رهبر اصلی القاعده کنونی، به تشکیل داعش پرداخته است. از سوی دیگر نشریه «تجدید» می‌نویسد: «داعش با هدف سلب اعتبار انقلاب سوریه ایجاد شد. بسیاری از اعضای این گروه‌ها به انقلاب سوریه وفادارند، ولی نمی‌دانند که رهبرشان کیست؛ زیرا ایمان و باور صادقانه آنها سبب شده است تا فکر کنند رهبرانشان هم مثل آنها فکر می‌کنند. بسیاری از رهبران آنها، افسران اطلاعاتی - جاسوسی

کشورهای مختلف هستند؛ کشورهایی که گروهک از آنها کمک دریافت می‌کند.»

(ب) تلاش و تمایل به نابودی رهبر داعش

– مطبوعات هوادار سوریه

جبهه‌النصره قبل از برخورد با داعش، در نوامبر ۲۰۱۳ با مأموریت مقابله با داعش در استان‌های ادلب و حلب تشکیل و از ارتش آزاد سوریه جدا شد. پس از آنکه این جبهه و اقلام نظامی و ساز و برگ و تدارکات نظامی خود را تفکیک کرد، و ارتش آزاد سوریه مثل «غلاف بدون شمشیر» ماند. از سوی دیگر جیش المجاهدین در سوم دسامبر ۲۰۱۳، درست در روز تقابل با داعش و جبهه انقلابیون سوریه ظهور کرد. پیش‌بینی می‌شد هر دو گروه برای مقابله با داعش ایجاد شده باشند.

تمام گروهک‌های یادشده که تصمیم داشتند از داعش خلاص و آزاد شوند، در وهله اول با عربستان سعودی مرتبط هستند ضمناً ریاض می‌خواهد به واشنگتن نشان دهد که هوادار مبارزه ضدتروریستی است و با این اقدام، مقبولیت بین‌المللی کسب می‌کند و به صورت مرحله‌ای با «اپوزیسیون سوریه» متحد و مانع تحرکات داعش می‌شود. میدل ایست پانورامن خاطرنشان می‌سازد که مخالفان دولت سوریه و نیز قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی مرتبط، علاقه‌مند انحلال گروهک‌های مذکور هستند. از نظر نشریه میدل ایست پانورامن، پیش‌بینی سرنوشت آتی گروهک «جبهه النصره» که از حمایت‌های رهبر القاعده ایمن الظواهری برخوردار است، سخت و پیچیده خواهد بود. آیا این «گروه عربی‌شده» از لیست سازمان‌های تروریستی خارج خواهد شد یا در شرایط جاری و معین بازی داده و مغلوب خواهد شد؟

در مجموع نشریه بین این گروهک‌ها از دیدگاه ایدئولوژی و عمل تفاوتی

نمی‌بیند و تحلیل می‌کند جنگ داخلی «فرسایشی» با شعارهای انحصاری توسط گروهان‌های آنها تداوم خواهد یافت. این نشریه به کرات صحنه می‌گذارد که عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا به عمد قصد دارند داعش را از بین ببرند؛ زیرا آنها بیم دارند داعش به سمت اراضی و داخل قلمرو عربستان کشانده شود. این در حالیکه گمان می‌رود توسعه عملیات‌های جنگی داعش به اراضی اردن و ترکیه نیز گسترش یابد. به همین دلیل اردن از عربستان سعودی علامت هشدار دریافت کرده که مراقب اوضاع خود باشد؛ زیرا بین نیروهای اصلی داعش، تعداد زیادی از عناصر اطلاعاتی سوریه نفوذ داده شده‌اند و آمریکا نیز کمک‌های تکمیلی در اختیار نخست‌وزیر عراق نوری مالکی قرار داده و از او در عملیات‌های ضدتروریستی حمایت می‌کرد. نشریه ادامه می‌دهد: «اسد به بی‌فراستی و کند ذهنی آمریکایی‌ها می‌خندد و همین‌طور به جهالت و بی‌نزاکتی و کم‌سوادی عربستان سعودی با تمسخر و تحقیر می‌نگرد.»

عمر محمود عثمان، یکی از رهبران معروف سلفی، شرایطی را پیش روی داعش نهاد که این گروه با سایر جریان‌های افراطی به توافق رسیده تا با آنها مقابله نکند و با گروهک‌هایی هم که درگیر جنگ است، ترک مخاصمه کند. این اعلامیه هنگام اجرای چهارمین جلسه قضایی در اردن در اختیار روزنامه‌نگاران قرار گرفت.

#### – مطبوعات مخالف سوریه

عبدالعزیز الفوزان، روحانی مذهبی عربستان سعودی، نوری مالکی نخست‌وزیر عراق را متهم کرد که به بهانه مبارزه با داعش به سنی‌ها حمله می‌کند. او انجام عملیات‌های محدود علیه رژیم سوریه توسط گروهک‌ها را به منزله ریختن گرد و خاک بر چشمان آنها ارزیابی می‌کرد. او جنگجویان گروه‌ها را به دو قسمت

تقسیم می‌کرد: «جاسوسان رژیم اسد و احمق‌هایی که واقعیات را نمی‌فهمند.»

سایت رسمی حزب لبنانی «میهن پرستان آزاد» با انتشار صحبت‌های یکی از دیپلمات‌های غربی تأکید کرد که جنگ بین داعش و جبهه‌النصره در ملاقات نمایندگان اطلاعات - جاسوسی آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳ طراحی شد. در این ملاقات‌ها گام‌های عملی برای تجهیز و تسلیح مخالفان نیز برداشته شد. از سوی دیگر ترکیه تأکید کرد که از ظهور و نفوذ داعش به اراضی خود بیم دارد. همچنین نماینده عربستان سعودی بر حل مسئله سوریه تأکید و پیشنهاد کمک بدون قید و شرط به مخالفان سوریه را مطرح کرد. هیئت آمریکایی نیز به کشته شدن تقریباً چهار هزار جنگجو در حمله به غوطه شرقی اشاره کرد؛ در حالی که واشنگتن، پاریس و تل‌آویو در این منطقه از آنها پشتیبانی می‌کردند. در این نشست و مشاوره طولانی‌مدت، عربستان سعودی موافقت کرد نیروهای داعش را به نفع «جبهه النصره» قربانی کند. نماینده ایالات متحده آمریکا از این طرح حمایت کرد و ضمن دادن قول همکاری و کمک نظامی - سیاسی به جبهه‌النصره و سایر گروه‌های مخالف دولت سوریه - که دیر یا زود به جبهه النصره خواهند پیوست و در آن حل خواهند شد - به مشارکت کارشناسان و اعضای سیاسی «جبهه‌النصره» در این ملاقات مشاوره‌ای اشاره کرد و گفت: «آنها برای مشارکت در ملاقات آتی در ژنو توسط نمایندگان اطلاعاتی آمریکا، ترکیه و عربستان توجیه شدند.»

درک موضوع چندان دشوار نیست. مطبوعات هوادار و مخالف دولت سوریه این بار دیدگاه مناسبی به از بین بردن داعش دارند. رسانه‌های گروهی نیز در دیدگاه‌شان یکسان عمل کرده و با وحدت نظر بر اینکه عربستان سعودی و ترکیه در مقابل تهدید جدید و درگیری مستقیم با داعش قرار گرفته‌اند و اراضی هر دو کشور در معرض هجوم داعشی‌هاست، اطلاع‌رسانی کردند.



## ۶. فعالیت داعش در کشورهای عربی

(الف) سوریه و لبنان

- مطبوعات هوادار

«آیا جنگ داعش از سوریه به لبنان کشیده شده است و علیه حریری برمی گردد؟» نشریه میدل ایست پانورامن با طرح این پرسش به ارایه دلایل و براهین خود در این راستا می پردازد. از نظر این نشریه، سعد حریری ضمن ریاست حزب «المستقبل»، آن را از حزبی سیاسی به گروهی پلیسی و مسلح تبدیل کرده و خود، تحلیلگر ارتش آزاد سوریه شده است. گروهک های مسلح در اراضی سوریه همگی از کمک های او بهره مند می شوند، به ویژه در مرزهای سوریه و لبنان از مساعدت های او استفاده می کنند. ضمناً اخبار و اطلاعات زیادی وجود دارد که بین نیروهای مسلح المستقبل و القاعده در اراضی لبنان درگیری رخ داده است. بنابراین ائتلاف ضد سوری ۱۴ مارس لبنان تحت تأثیر قرار گرفته و واکنش نشان خواهد داد. ائتلاف ۱۴ مارس که کشورهای غربی از آن حمایت می کنند به تمایل و تلاش افراط گرایان داعش نمی تواند واکنش مثبت نشان دهد. آنها متهم هستند که هواداران شان با وجود عدم اعتماد به هیچ کدام از طرفین، اتحاد خود را در جنگ با داعش علیه مخالفان مسلح سوری حفظ می کنند. نشریه با یادآوری تهدیدها و خطرهای هر دو جریان، موضع آنها را به استهزا می گیرد.

این نشریه با ارجاع به نشریه لبنانی الخبر می افزاید: «سه گروهک تروریستی جبهه النصره، داعش و عبدالله عزام به تمام لبنان اعلان جنگ داده اند و جنوب کشور در انتظار انفجارات تروریستی به سر می برد. این امر شرایط مخاطره آمیزی برای ۸۰ هزار مهاجر فلسطینی ایجاد می کند. بزرگ ترین اردوگاه مهاجران فلسطین در اراضی جنوب لبنان، اردوگاه عین الحلوه است. پیش بینی می شود هدف گروه های تروریستی از جمله، داعش ارتش لبنان باشد.»

عربی پرس که در پاریس منتشر می‌شود، با ارجاع به «سایت‌های بنیادگرایان» اعلام می‌کند: «شخصی به نام «ابوسایف الانصاری» از تشکیل شاخه لبنانی داعش در شمال این کشور و در شهر طرابلس خبر داده است.»

با وجود اینکه مسئولیت انفجار ۲۱ ژانویه ۲۰۱۴ شهر لبنانی هارت هیرک را گروهک تروریستی جبهه النصره به عهده گرفت، ولی مراجع قانونی لبنان در نشریه السفير اعلام کردند داعش متهم اصلی این انفجار است.

نشریه مصری مصر العربی می‌نویسد: «قبل از اینکه کنگره آمریکا تصمیم واگذاری سلاح به اپوزیسیون سوریه را تصویب کند، جبهه النصره نوع جدیدی از تسلیحات را در اختیار داشت که قبلاً چنین سلاح‌هایی را نداشتند.»

روزنامه جهاد نیوز<sup>۱</sup> به نقل از افراد نزدیک داعش می‌نویسد: «سلاح‌های تازه به جبهه‌النصره، در ۲۶ ژانویه پس از اعلام رسانه‌ها مبنی بر اینکه کنگره واگذاری سلاح به مخالفان سوریه را تصویب کرد، اختصاص یافت.»

آیا این بدان معنا نیست که ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی، ائتلاف و اتحاد مخالفان معتدل را به رسمیت می‌شناسند؟ این پرسش را نشریه میدل ایست پانورامن طرح کرده است.

همین نشریه می‌نویسد: «به اعضای خارجی داعش فشار می‌آورند تا این گروهک را ترک کنند. مواضع داعش از طرف نیروهای ترکیه زیر آتش قرار می‌گیرد. ترکیه نگران نزدیک شدن آنها به مرزهای قلمرو خویش است و داعش نیز ترکیه را به حمایت از جبهه‌النصره متهم می‌کند. با گسترش داعش در شمال سوریه، ارتباط گروه جبهه‌النصره با ترکیه قطع شده است.»

نشریه لبنانی «الخبر» می‌نویسد: «بر اساس اظهارات یکی از رهبران جنبش اسلامی فلسطین (از آوزدن نام خود امتناع کرده)، تحمیل حضور در اراضی

اردوگاه‌های مهاجرین فلسطینی در لبنان برای داعش، مطابق اشاره و دستورهای جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، برای پایان دادن به مسئله مربوط به بازگشت فلسطینیان به سرزمین‌های خویش است.»

#### — مطبوعات مخالف سوریه

سایت رسمی ائتلاف «۱۴ مارس» خبر داده که ناحیه الکا در استان البکاء از طرف داعش در معرض تهدید قرار گرفته است. «ساکنان عرسال، داعش و شعبه‌های آن را آلت دست دولت اسد می‌پندارند.» ابوسیاف الانصاری که «حزب المستقبل» محسوب می‌شود، از تشکیل شعبه لبنانی داعش در شهر طرابلس لبنان خبر داده و این سازمان تروریستی را با سازمان اطلاعات و امنیت دولت سوریه مرتبط می‌داند.

این‌گونه اظهارات که در سایت مذکور مکرر دیده شده نشان می‌دهد که مطبوعات مخالف سوریه به جزئیات، عمیق و دقیق نمی‌نگرند و فقط آشکارا به ظهور داعش در آن کشور و سوریه و واکنش‌های نسبی توجه دارند. مطبوعات طرفدار سوریه بسیار سلیس و واضح، درک خود را فرمول‌بندی می‌کنند و به اهداف حضور و ظهور گروهک‌ها در سوریه و لبنان می‌پردازند. خاتمه دادن به مسئله بازگشت مهاجران فلسطینی و وارد آوردن ضربه به ارتش لبنان و موضع خودشان در قبال این مسائل از موضوعاتی است که به وسیله این نشریات درج و پخش شده است. آنها می‌دانند که حضور داعش در هر دو کشور حتی امنیت مخالفان لبنان و ترکیه را تهدید می‌کند؛ زیرا مخالفان لبنان با هویت ائتلاف ۱۴ مارس، ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با ترکیه دارند و ضربه به یکی از طرفین متحد، به طور اجتناب‌ناپذیر آثار جدی بر دیگری خواهد گذاشت.

## (ب) عراق

- مطبوعات طرفدار سوریه

در صفحات دایره‌المعارف عراق (الکترونیکی) مقاله‌ای با عنوان «اردوغان می‌خواست قبایل استان الانبار از اقدامات مخالفتی خود دست برندارند» منتشر شده است. از مضامین این مقاله معلوم است که ترکیه میل داشت ارتباط تنگاتنگی با قبایل استان الانبار ایجاد کند. واقعیت آن است که در سازماندهی تظاهرات ضد دولتی استان الانبار، کشورهای ترکیه، قطر و عربستان سعودی متهم هستند. در واقع داعش صاحب چنین امکانات و ابداعات عملیاتی نیست که در رسانه‌های گروهی به آن می‌پردازند. به همین دلیل دولت عراق معتقد است که کشورهای خارجی از داعش حمایت کرده‌اند. به این موضوع اکثر شخصیت‌های رسمی دولت عراق در گفت‌وگوهای خود با رسانه‌ها تأکید کرده‌اند. این در حالی بود که رسانه‌ها تأکید داشتند داعش با به کارگیری تسلیحات شیمیایی می‌تواند منطقه را با مخاطره روبه‌رو کند.

روزنامه عراقی السامریه<sup>۱</sup> با استناد به مطبوعات مصری، به هماهنگی و تطابق فعالیت‌ها و تلاش‌های داعش در عراق و تروریست‌های گروهک «جنبش هم‌زمان اورشلیم» که در اراضی شبه‌جزیره سینا عملیات انجام می‌دهند، پرداخته است. روزنامه لبنانی الخیر پرس می‌نویسد: «داعش اعلام کرده است قلع و قمع و شکست «اپوزیسیون مسلح سوریه» حتمی است و از سنی‌های عراق خواسته سلاح خود را بر زمین نگذارند.»

روزنامه «عرب پرس» پاریس در مورد عراق گزارش می‌دهد: «اوباما به دولت عراق توصیه کرده تا قبایل را سازماندهی و آموزش دهد و در یک ساختار سازمانی مشخص، ارتش قبایل را ایجاد کند.»

نشریه لبنانی السفير می‌نویسد: «ساختار قبیله‌ای برخی قبایل تمایل دارد نه تنها داعش، بلکه حتی نیروهای امنیتی دولتی را از استان خود بیرون و امنیت را خودشان برقرار کنند. داعش علیه قبایلی می‌جنگد که با دولت همدست‌اند و همکاری می‌کنند. داعش از حمایت‌های اقوام استفاده نمی‌کند؛ یعنی فراست و کیاست بهره‌مندی از آنها را ندارد و قبایل هم فقط در سخن حامی گروهک‌ها هستند تا بدین وسیله به دولت بگویند از اقدامات آنها رضایت ندارند و از این طریق بر دولت فشار آورند.»

#### - مطبوعات ضد یا مخالف سوریه

نشریه لندننی القدس العربی نوشته است: «سرویس اطلاعات و امنیت عربستان سعودی به همتای اردنی خود هشدار داده که نیروهای جاسوس و اطلاعاتی سوریه به لایه‌های تصمیم‌گیری داعش نفوذ کرده‌اند. عربستان نگران خطر جدی بروز عدم ثبات و امنیت در اراضی خود و اردن و گسترش ناامنی از طریق استان الانبار عراق است که نوری مالکی و بشار اسد یکدست و با هم در آنجا وارد عمل شده‌اند. استان الانبار و سنی‌های عراقی ساکن آن قبایل به مناطق مرزی عربستان و اردن نفوذ دارند.»

نشریه «العرب» قطر در مقاله‌ای با تیتراژ درشت می‌نویسد: «مشکلات الانبار حل‌شدنی نیست.» نیروهای مسلح مالکی که علیه ساکنان الانبار با شعار مبارزه با تروریسم وارد عمل می‌شوند، یکی پس از دیگری صدمه می‌بینند، از بین می‌روند و اوضاع ناگواری دارند. نشریه به مالکی توصیه می‌کند به درخواست «شورشگران» توجه و منطقه را تخلیه کند؛ در غیر این صورت عاقبت غیرقابل پیش‌بینی در انتظار نخست‌وزیر و بازیگران منطقه‌ای حامی اوست.

این نشریه با درج درشت عنوان مقاله از سرسختی و مقاومت در استان الانبار

حمایت و در مقاله خود «قیام الانبار... و شورشیان» را دشمنان حکومت عراق معرفی می‌نماید که قصد دارند در این استان توسط اقوام و قبایل محلی اقدام به ایجاد حکومت خودمختار رسمی مثل کردستان اقدام کنند. به نحوی که شورشیان همانند اقلیم کردستان و پیشمرگان کرد از جایگاه حقوقی و قانونی برخوردار شوند. هم‌زمان نشریه در بخش دیگر مقاله از دشواری‌های حاصل از وجود چندین ارتش در اراضی عراق و نگرانی‌های بعدی در ارتباطات و هماهنگی آنها می‌نویسد: «سناریوی آشکار روابط بین ارتش حکومت و ارتش اقوام عراق از پیش قابل درک است و بروز جبهه‌گیری طولانی‌مدت بین دو ارتش، یکی از بدیهیات چنین سناریویی است.»

نشریه لندن «ایلاف» به بررسی این سناریو از زاویه دیگر می‌پردازد و می‌نویسد: «همکاری میان ارتش حکومت عراق و دسته‌های مسلح قبایل عراق سبب خواهد شد که داعش از عرصه فرار و شهر رمادی در استان الانبار را تخلیه کند.»

بنابراین مطبوعات طرفدار سوریه مجدداً آشکارا پیش‌بینی درباره وارد شدن ضربه عمده به ارتش عربی و در عین حال به ارتش عراق را به خاطر می‌سپارند. مرکز و کانون رویداد، استان الانبار انتخاب شده ولی مطبوعات مخالف سوریه با نظریه متفاوتی به موضوع می‌نگرند که از چندین زاویه جالب به نظر می‌رسد. موضوع اتحاد ظرفیت‌های نظامی قبایل سنی عراق که ایالات متحده آمریکا آن را مسئله‌ای مهم از زمان پیدایش داعش اعلام کرده، از سوی مطبوعات قطر در سطح گسترده‌ای تبلیغ می‌شود. در این نشریات، قرار گرفتن اتحادیه ارتش قبایل سنی عراق با ارتش عراق و داعش در قالب سناریو طولانی‌مدت مورد ارزیابی قرار گرفته که به عدم ثبات در خاورمیانه می‌انجامد. چنین سناریویی باعث بروز درگیری‌های خونین و مناقشات طولانی‌مدت بین طرفین خواهد شد.

## ج) مصر

درباره پتانسیل تهدیدهای مرتبط با فعالیت و شکل‌گیری هسته‌های تروریستی شبه‌جزیره سینا و گروه داعش، نشریه الوفا از قبل هشدار داده بود. یک نشریه دیگر مصری به نام باوایا ویتو<sup>۱</sup> با درج مطالبی به خطابه ویدئویی یکی از اعضای داعش به مردم مصر اشاره کرده بود که در آن، عضو داعش مردم مصر را برای انجام نبرد در سرزمین‌های مصر دعوت می‌کرد. روزنامه مصری دیگر به نام «البلد» یادآوری می‌کند که وقتی اخوان المسلمین حکومت مصر را در اختیار داشتند، تروریست‌ها فرصت یافتند به شبه جزیره سینا نفوذ کنند. در میان آنها، گروهک انصار بیت المقدس<sup>۲</sup> دست به اجرای عملیات‌های زیادی زده است.

تمام گروه‌هایی که برای اسرائیل خطر ایجاد می‌کنند و بارها اسرائیل را تهدید کرده‌اند، تحت پوشش و عناوین «اسلام» بوده‌اند ولی غالباً در چارچوب علایق و منافع شخصی خود عمل کرده‌اند. ارتش مصر، داعش و سایر گروهک‌ها را تحت فشار قرار داده است تا آن منطقه را ترک کنند. گروهک داعش و جبهه النصره اعلام کرده‌اند که پس از سرنگونی اسد، آنها به سمت مصر روانه می‌شوند تا مصر را نیز آزاد کنند. این مطلب به وسیله نشریه مصری آی‌نیوز عربی<sup>۳</sup> به نقل از روزنامه «الخبر پرس» لیبیایی نقل شده است. روزنامه سوری شام تایمز نیز به این مطلب اشاره کرده است.

## د) اسرائیل

نیروهای امنیتی عراق هم‌زمان با پاکسازی استان الانبار از وجود داعش، سلاح‌های غنیمتی و جامانده از این گروه داعش را کشف و ضبط کردند. اکثر

1. Bawaba Vito

2. Ansar Beytmuqaddas

3. INews Arabia

این سلاح‌ها ساخت صنایع نظامی اسرائیل بودند.

سایت سوریه نیوز<sup>۱</sup> به استناد مطبوعات اسرائیل اعلام کرد: «مبارزه مخفی و پنهانی بین اشخاص نظامی و محافل سیاسی اسرائیل پیرامون مسئله ارتباطات آشکار با تروریست‌ها و گروهک‌های تروریستی حاضر در سوریه جریان دارد.»

جامعه اسرائیل نمی‌تواند به پذیرش و درمان مجروحان تروریست در بیمارستان‌های اسرائیل با هزینه اسرائیل قانع شود. به همین دلیل در فوریه ۲۰۱۲ حوالی ارتفاعات جولان، اسرائیل اقدام به ساختن بیمارستان غیر نظامی کرد تا مجروحان تروریست‌ها به این بیمارستان حمل و درمان اولیه شوند. دولت اسرائیل تهیه گزارش از مجروحان در این بیمارستان را قذغن کرده است و نمایندگان رسانه‌های گروهی این کشور حق ورود به داخل بیمارستان را ندارند. وجود این بیمارستان و درمان تروریست‌های مجروح در آنجا موجب بروز اعتراض‌هایی از سوی مخالفان دولت نتانیاهو شد.

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد مشکل اساسی و تهدید منطقه، تقویت نقش القاعده باشد. القاعده مانند سایر گروه‌های افراطی سلفی با سخت‌ترین مجازات‌ها، فشار و تضییق شدید حقوقی مردم، نوعی رفتار اجتماعی را پیش می‌برد که بدترین روش قبیله‌ای و زندگی ایلاتی عصر حاضر است. القاعده حتی حضور و وجود رقبای اسلامی هم‌کیش خود را قبول نمی‌کند و رقابت با آنها را با تمام ابعاد مردود می‌داند؛ همان‌طور که در سوریه با سایر گروه‌های رادیکال و حرکت‌های مشابه در حال جنگ و ستیز است. اهداف القاعده در خاورمیانه روشن و به اندازه کافی مستمر و متوالی است. آنها ضمن استقرار و حضور در منطقه به توسعه نفوذ و



تداوم و ایجاد ناحیه امن به شکل دولت در مناطق مرزی عراق، سوریه، ترکیه و ایران اقدام کردند.

این گروهک از همان ابتدا به مقابله با نیروهای امنیتی پرداخت که برای مبارزه با افراطیون و گروه‌های تروریستی در مناطق سنی‌نشین عراق حضور داشتند و در مراحل بعدی، منطقه کانون گروه‌های تروریستی و شورشیان شد.

ژنرال «استنلی ماک کریستال»، رئیس ستاد عملیات‌های ویژه ارتش ایالات متحده آمریکا و نیروهای ائتلاف در افغانستان، در گفت‌وگو با کایدئون روزه نویسنده فارن افرز<sup>۱</sup> می‌گوید: «در عراق وقتی برای نخستین بار پرسیدیم «دشمن کجاست؟» پرسش «دشمن کیست؟» طرح شد و ما فکر می‌کردیم خیلی عاقلیم. بعد فهمیدیم این سؤال درستی نبوده است. این بار سؤال کردیم: «دشمن چه می‌خواهد و برای انجام چه کاری تمایل دارند؟» این هم، همه چیز نبود و پرسش‌های خود را ادامه دادیم تا اینکه پرسیدیم: «چرا آنها دشمن هستند؟»

تحركات و فعالیت‌های ضد تروریستی و ضد شورشی را نمی‌توان با مانورهای نظامی مقایسه کرد؛ زیرا دو مقوله کاملاً متفاوت‌اند و حتماً باید اصول و تدابیر سیستم‌های سیاسی و مدیریت و رفتار شایسته دولتی در مقابل چشمان مردم بروز کنند.

تحلیل خوب باید جامع و مناسب بوده و تمام عوامل و عناصر آن ارزیابی شده باشند؛ از جمله عملکرد دولت، کانون قدرت‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی و بازیگران فرامنطقه‌ای. عملیات نظامی نامنظم، پیچیده و دشوار است و اجرای چنین عملیات‌هایی باید فقط بر اساس اسلوب، طرح و تدابیر، بی‌کم و کاست و کامل باشد.

ارزیابی دقیق وقایع مربوط به موضوع داعش در مطبوعات عربی نشان می‌دهد

این سلاح‌ها ساخت صنایع نظامی اسرائیل بودند.

سایت سوریه نیوز<sup>۱</sup> به استناد مطبوعات اسرائیل اعلام کرد: «مبارزه مخفی و پنهانی بین اشخاص نظامی و محافل سیاسی اسرائیل پیرامون مسئله ارتباطات آشکار با تروریست‌ها و گروهک‌های تروریستی حاضر در سوریه جریان دارد.» جامعه اسرائیل نمی‌تواند به پذیرش و درمان مجروحان تروریست در بیمارستان‌های اسرائیل با هزینه اسرائیل قانع شود. به همین دلیل در فوریه ۲۰۱۲ حوالی ارتفاعات جولان، اسرائیل اقدام به ساختن بیمارستان غیر نظامی کرد تا مجروحان تروریست‌ها به این بیمارستان حمل و درمان اولیه شوند. دولت اسرائیل تهیه گزارش از مجروحان در این بیمارستان را قدغن کرده است و نمایندگان رسانه‌های گروهی این کشور حق ورود به داخل بیمارستان را ندارند. وجود این بیمارستان و درمان تروریست‌های مجروح در آنجا موجب بروز اعتراض‌هایی از سوی مخالفان دولت نتانیاهو شد.

### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد مشکل اساسی و تهدید منطقه، تقویت نقش القاعده باشد. القاعده مانند سایر گروه‌های افراطی سلفی با سخت‌ترین مجازات‌ها، فشار و تضییق شدید حقوقی مردم، نوعی رفتار اجتماعی را پیش می‌برد که بدترین روش قبیله‌ای و زندگی ایلاتی عصر حاضر است. القاعده حتی حضور و وجود رقبای اسلامی هم‌کیش خود را قبول نمی‌کند و رقابت با آنها را با تمام ابعاد مردود می‌داند؛ همان‌طور که در سوریه با سایر گروه‌های رادیکال و حرکت‌های مشابه در حال جنگ و ستیز است. اهداف القاعده در خاورمیانه روشن و به اندازه کافی مستمر و متوالی است. آنها ضمن استقرار و حضور در منطقه به توسعه نفوذ و

تداوم و ایجاد ناحیه امن به شکل دولت در مناطق مرزی عراق، سوریه، ترکیه و ایران اقدام کردند.

این گروهک از همان ابتدا به مقابله با نیروهای امنیتی پرداخت که برای مبارزه با افراطیون و گروه‌های تروریستی در مناطق سنی‌نشین عراق حضور داشتند و در مراحل بعدی، منطقه کانون گروه‌های تروریستی و شورشیان شد.

ژنرال «استنلی ماک کریستال»، رئیس ستاد عملیات‌های ویژه ارتش ایالات متحده آمریکا و نیروهای ائتلاف در افغانستان، در گفت‌وگو با کایدئون روزه نویسنده فارن افروز<sup>۱</sup> می‌گوید: «در عراق وقتی برای نخستین بار پرسیدیم «دشمن کجاست؟» پرسش «دشمن کیست؟» طرح شد و ما فکر می‌کردیم خیلی عاقلیم. بعد فهمیدیم این سؤال درستی نبوده است. این بار سؤال کردیم: «دشمن چه می‌خواهد و برای انجام چه کاری تمایل دارند؟» این هم، همه چیز نبود و پرسش‌های خود را ادامه دادیم تا اینکه پرسیدیم: «چرا آنها دشمن هستند؟»

تحرکات و فعالیت‌های ضد تروریستی و ضد شورشی را نمی‌توان با مانورهای نظامی مقایسه کرد؛ زیرا دو مقوله کاملاً متفاوت‌اند و حتماً باید اصول و تدابیر سیستم‌های سیاسی و مدیریت و رفتار شایسته دولتی در مقابل چشمان مردم بروز کنند.

تحلیل خوب باید جامع و مناسب بوده و تمام عوامل و عناصر آن ارزیابی شده باشند؛ از جمله عملکرد دولت، کانون قدرت‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی و بازیگران فرامنطقه‌ای. عملیات نظامی نامنظم، پیچیده و دشوار است و اجرای چنین عملیات‌هایی باید فقط بر اساس اسلوب، طرح و تدابیر، بی‌کم و کاست و کامل باشد.

ارزیابی دقیق وقایع مربوط به موضوع داعش در مطبوعات عربی نشان می‌دهد

که چرخش جریان‌های پیرامون داعش، تداوم سیاست و استراتژی منطقه‌ای و جهانی نیروهای تأثیرگذار است که بدون تغییر در برخوردها اجرا می‌شوند و نتایج زیر را به بار می‌آورند:

۱. تخریب ارتش‌های عربی؛
۲. ایجاد مواجهه میان ایران و بخش سنی جهان عرب و تحقق پروژه «تقابل شیعه و سنی»؛
۳. خاتمه مسئله فلسطین از طریق امن کردن اسرائیل (برقراری امنیت برای اسرائیل).

در این روند ترکیه نقش مهمی دارد. برای ترکیه ضروری است کشورهای عربی فعال‌تر باشند. در سال ۲۰۱۲ مطبوعات عربی اخبار و اطلاعاتی درباره سیاست‌های ترکیه منتشر کردند که مطالب زیر از آن استنتاج می‌شود:

۱. آنکارا تلاش ناموفقی را برای تحریک و تحریص درگیری و نزاع «اتحاد دموکراتیک کردستان» و قبایل زبیر و شمر که در مناطق مرزی اراضی عراق و سوریه ساکن هستند، انجام داده است.
۲. ترکیه تلاش‌های زیادی برای اتحاد قبایل سنی سوریه انجام داده است که البته تمام تلاش‌ها و تمایلات ترکیه در این زمینه با شکست روبه‌رو شده‌اند.
۳. در استان‌های جنوبی و مرکزی عراق، اشخاصی نامعلوم که وابسته به ترکیه هستند، سلاح‌های مردم را می‌خرند.

۴. فردی موسوم به طاه‌الدیلیم در شهر رمادی، مرکز استان الانبار، خود را رهبر «ارتش آزاد عراق» نامیده است. با توجه به ارتباط نزدیک ترکیه با ارتش آزاد سوریه، احتمالاً ارتش آزاد عراق نیز از سوی ترکیه حمایت می‌شود.

۵. هدف اعلامی «ارتش آزاد عراق»، مبارزه و مقابله با دولت عراق و کمک به برادران «ارتش آزاد سوریه» بوده است که در راستای منافع آنکارا قرار می‌گیرد.

۶. هنگام انجام تظاهرات اعتراضی در استان‌های سنی‌نشین عراق، پرچم‌های ترکیه برافراشته شده بود که حکایت از نفوذ آنکارا در این مناطق دارد. به هر حال با دخالت‌های خارجی، اوضاع و شرایط در الانبار به سرعت آشفته شد. برای مثال، اخبار مربوط به انفجار خانه نماینده پارلمان استان و ریوده شدن دو تن از برادران این نماینده توسط افراد ناشناس پخش شد.



## فصل دوم

گروه «جبهه النصره»؛ اهداف، مأموریت و روش‌های عملیات

در سوریه و عراق

### ۱. اطلاعات عمومی

اوایل سال ۲۰۱۲، اپوزیسیون سوریه وجهه بنیادگرایی به خود گرفت و توسط مراکز قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تسلیح و تجهیز شد. افراط‌گرایان هدف خود را سرنگونی دولت سوریه و ایجاد حکومت اسلامی با تکیه بر اصول شریعت اسلامی اعلام می‌کردند. در اواخر سال ۲۰۱۱ و اوایل ۲۰۱۲، گروه تروریستی «جبهه النصره» به طور رسمی اعلام موجودیت کرد و خود را متعلق به قدس دانست. در سپتامبر همان سال، شش گروه اسلامی «جبهه النصره سوریه» و «جبهه آزادی سوریه» در گروه اسلامی «جبهه آزادی سوریه» متحد شدند و در نوامبر ۲۰۱۳ به طور رسمی «جبهه النصره» نوین را تشکیل دادند.

نشریه لبنانی «اکنون»<sup>۱</sup> اطلاعات زیر را درباره گروه‌ها منتشر کرد:

«احرار الشام» تقریباً ۱۸ هزار نفر عضو دارد. رهبر گروه حسن عبود (ابوعبدالله الحمانو) از جریان سلفی پیروی می‌کند و با واعظ یا مبلغ دینی کویتی شفیع بن سلطان الجمعی ارتباط دارد. «احرار الشام» به سازمان «اخوان المسلمین» تعلق دارد.

• «جیش الاسلام» با اعضای ۳۰ هزار نفری محمد ظهران بن عبدالله علوش

(ابوعبدالله) از جریان سلفی - وهابی و با واعظ مشهور سعودی، شیخ ناصر الامر ارتباط تنگاتنگ دارند.

• لواء التوحید بین ۸ تا ۱۰ هزار نفر عضو دارد و رهبری آن برعهده عبدالعزيز سلام است.

• لواء الحق تقریباً ۴ هزار نفر عضو دارد و رهبرشان شیخ ابورابط الخمسی از سلفی‌های نسبتاً معتدل است.

• انصار الاشام با ۳ هزار نفر عضو به رهبری ابومحمد صلیب به جریان سلفی وابسته است.

• گروه صقور الشام<sup>۱</sup> قبلاً در ترکیب «ارتش آزاد سوریه» بود. کارشناسان معتقدند کاهش نقش فرماندهان ارتش آزاد سوریه و افزایش اختیارات فرماندهان جبهه‌النصره با حمایت محافل لیبرالی مواجه است. حمایت محافل مخالفان دولت سوریه برای گروه احرار الشام و رهبر آن حسن عبود و اتحاد گروه‌های اسلامی، نقش لکوموتیو را ایفا می‌کرد.

• «جبهه‌النصره کردی»: تعداد اعضای آن تقریباً ۱۵۰۰ نفر است. اگرچه عموماً با «جبهه‌النصره سوریه» اشتباه گرفته می‌شود، اما از حیث اساسنامه با این گروه، همسو و موافق نیست. در مقایسه متن اساسنامه «جبهه‌النصره سوریه» و «جبهه‌النصره کردی» مسئله «اقلیت قومی و نژادی» توصیف شده که توسط اسلام‌گراها به گونه دیگری تفسیر شده است. در اساسنامه جبهه‌النصره سوریه، این کشور بر اساس تعلقات قوانین عمومی مورد شناسایی قرار گرفته اما در اساسنامه جبهه‌النصره کردی، عوامل نژادی ثبت و در قالب «ریشه مردم» سوریه، فقط به کردها اشاره شده است که بر بحث «اقلیت‌ها» تأکید کند. بر اساس اساسنامه این جبهه، جنگجویان خارجی که در اراضی سوریه می‌جنگند، برادر یکدیگر محسوب می‌شوند.



در نشریه لندن «الحیات» خطاب به یکی از شیوخ «القاعده سابق» به نام ابوبصیر الطرطوسی آمده است که روابط سلفی‌ها با کردها خیلی واضح‌تر و مشخص‌تر بیان کرده است. او در خطاب خود، کردها را به تنفر و انزجار از اعراب و اسلام متهم کرده و آنها را «ارتش بزرگ جاهل و نادان و بی‌سواد و ناشی» نامیده است. او وجود انسان‌های خوب بین کردها را به طور کلی رد نکرده و آنها را نیز «برادران» نامیده است. طرطوسی نیز ایده واحد بین سنی و شیعه را قبول ندارد.

## ۲. ساختار سازمانی و روابط خارجی

«جبهه النصره» به چتر اتحاد گروه‌های کوچک‌تر مبدل شده است. البته گروهک‌هایی که در ترکیب «جبهه النصره» هستند، در گام نخست زیر نظر فرماندهان خود هستند و هیچ تضمینی نیست که آنها در شرایط مختلف به صورت واحد عمل کنند یا هر گروه سیاست خود را در پیش گیرد.

### الف) ساختار سازمانی

پس از تشکیل جبهه النصره در ۲۲ نوامبر، معلوم شد که این گروه یکی از عناصر کلیدی مبارزه علیه رژیم اسد است. گروه سلفی «احرار الشام» نقش اساسی در ایدئولوژی جبهه النصره دارد و اعضای آن بخش شریعت و سیاست جبهه النصره را تحت کنترل خود دارند. احرار الشام همیشه از حمایت ارتش آزاد سوریه برخوردار بوده و ارتش آزاد نیز در حمایت مداوم غربی‌هاست. ائتلاف این گروه‌ها با یکدیگر بعد از چند ماه مذاکره بین آنها ایجاد شد و ده‌ها گروهک را شامل گروه «جبهه النصره» اعلام کرد که هفت سازمان وارد ترکیب شدند و میان آنها یکی از قدرتمندترین گروه‌های معارض دولت سوریه نیز دیده می‌شد:

- حرکت اسلامی احرار الشام:<sup>۱</sup> گروهی خشن است که در سراسر اراضی سوریه عملیات اجرا می‌کند.
- تیپ صقور الشام:<sup>۲</sup> گروهی که در استان ادلب در شمال غرب سوریه عملیات انجام می‌دهد.
- تیپ توحید:<sup>۳</sup> قوی‌ترین واحد عملیاتی در حلب است.
- تیپ حق:<sup>۴</sup> در حمص عملیات انجام می‌دهد و قوی‌ترین و بیشترین نفوذ را در آن منطقه دارد.
- گردان انصار الشام:<sup>۵</sup> در ادلب و لاتاکی مستقر است.
- جیش الاسلام (ارتش اسلام):<sup>۶</sup> قوی‌ترین گروه که عموماً در شرق دمشق عملیات اجرا می‌کند.
- جبهه‌النصره کردی:<sup>۷</sup> گروهی کوچک از افراط‌گرایان مذهب‌ری‌گرد است. در حالی که در مورد پیوستن گروه‌های جدید به جبهه‌النصره هنوز درخواستی وجود نداشت، نماینده رئیس گروهک اعلام کرد برخی از درخواست‌ها در حال بررسی هستند. علاوه بر این، برخی از هفت گروه وارد شده به ترکیب جبهه، گروه‌های کوچک دیگری را به خود جذب کردند. به علت ارتباط ضعیف ولی حرکت دینامیکی بزرگ، ارزیابی تعداد و استعداد نظامی جبهه‌النصره دشوار است. خود آنها می‌گویند ۷۰ هزار جنگجو را تحت کنترل دارند. در هر صورت اکنون چنین ابزار و امکاناتی که تجزیه و تحلیل درستی از استعداد افراد آنها به دست دهد، وجود ندارد. با این حال شکی نیست که جبهه‌النصره قوی‌ترین بلوک شورشیان است

1. The Islamic Ahrar. Al- Sham Momena

2. The Suqoar al- sham Brigades

3. The Tawhid Brigage

4. The Haq Brigade

5. The Ansar al – sham Battalions

6. The Sliamic Army

7. The Kurdish Islamic Frant

و در مبارزه با دولت سوریه نقش اساسی دارد.

### ب) حمایت‌های بین‌المللی

در عرصه رسانه‌ها نظریه‌هایی شکل گرفت مبنی بر اینکه اعضاء و رهبران «جبهه النصره» مجموعه‌ای از عوامل و عناصر عربستان سعودی هستند که با ایجاد این جبهه تلاش می‌کنند موفقیت‌های جنبش‌های «بیداری سنی‌ها» را در عراق تداوم بخشند.

از دیدگاه تحلیلی، این اخبار به قدر کافی به واقعیات نزدیک نیستند. زیرا با وجود اخبار و اطلاعات در مورد تأمین مالی «جیش الاسلام» توسط عربستان، واقعیاتی از نظر پنهان می‌ماند. در واقع بسیاری از تحلیلگران، توجه مخاطبان را به وزیر امور خارجه قطر، خالد بن محمد العطای، جلب می‌کنند. ملاقات او با سرکرده آتی جبهه النصره در اواخر سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد قطر از «تیپ التوحید» حمایت مالی و پشتیبانی می‌کند. اخبار دیگر حکایت از آن دارد که نخست‌وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان، به مثابه حامی خاموش «جبهه النصره» و برخی دیگر از گروهک‌هاست.

با در نظر گرفتن روابط خصمانه میان عربستان سعودی و قطر در بیست سال گذشته و پیچیدگی روابط دوجانبه پادشاهان سلطنتی خلیج فارس با ترکیه، دورنمای کشیده شدن آنها به بحران سوریه دربردارنده نوعی فریب و گمراه کردن یکدیگر است. در واقع آنها آشکارا رودرروی هم قرار نگرفته‌اند و به همین دلیل نمی‌توان استنتاج درست و ارزیابی دقیقی از روش‌های آنها داشت.

در هر صورت به رغم حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دولت عربستان از «جبهه النصره»، حمایت‌های مالی بخش خصوصی و اشخاص نیز نقش مهمی در این خصوص دارند. این حمایت‌ها به وسیله شبکه‌های مالی و پشتیبانی سلفی‌ها در کویت، با کمک و مشارکت یا بدون مشارکت ساختارهای دولتی صورت می‌گیرد.

## ج) روابط با رژیم اسد

جبهه‌النصره هم در عرصه‌های سیاسی و هم در فضای مذهبی، موضعی خشم‌آلود دارد. نمایندگان گروهک از بی‌رحمی و شدت عمل نسبت به رژیم اسد صحبت می‌کنند و هرگز آماده مذاکره با او نیستند. سایر نمایندگان سیاسی این گروهک در پاسخ به این سؤال که «آیا آماده برقراری آتش‌بس برای کمک به شهروندان غیرنظامی یا هر نوع کمک بشردوستانه هستید؟» پاسخ می‌دهند که هرگونه پیشنهاد مشابه باید مجزا و مطابق علایق و ملزومات مردم مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد، اما معلوم است که ما هیچ‌وقت حاضر به انجام مذاکره پشت یک میز با دولت اسد نخواهیم بود؛ زیرا هر نوع مذاکره و مصالحه با این دولت، خیانت به خون قربانیان و به رسمیت شناختن آن است. «ما حاضر نخواهیم شد به واسطه مذاکره با اسد، اطمینان و ایمان مردم نسبت به خود را خدشه‌دار کنیم تا در اراده‌شان خلل وارد آید.»

این مسئله نشان می‌دهد که جبهه‌النصره علاقه و تمایلی به پیشنهادهایی مثل تقسیم قدرت و حاکمیت با اسد ندارد. مطابق بیانیه جبهه‌النصره، «ایجاد دولت اسلامی» فقط زمانی حاصل خواهد شد که دولت اسد به طور کلی نابود شود؛ یعنی اضمحلال کامل و واگذاری بازماندگان نظام اعم از ارتش و نیروهای امنیتی به دادگاه. همین طور آن دسته از هواداران نظام سوریه که متهم به خون‌ریزی بی‌گناهان هستند هم فقط باید به دادگاه شریعت سپرده شوند.

تفسیر و تعبیر بیانیه و مانیفست جبهه‌النصره می‌تواند به نفع عده‌ای باشد که قصد استفاده از تمام ابزارها در مبارزه با دولت اسد تا سرنگونی او را دارند. این مبارزه هرچه طولانی‌تر باشد، علنی، واقعی و مفید ارزیابی خواهد شد.

در مانیفست مشخص شده که جبهه‌النصره در هر روند سیاسی که مذهب در آن مداخله ندارد و حاکمیت را در جایی غیر از قوانین، «خداوند رحیم» معین کند،

مشارکت نخواهد کرد.<sup>۱</sup> در واقع هر جریان سیاسی که فعالیت‌های قانونمند را که همان حکم الهی است، قبول نکند و با مذهب مخالفت کند، از سوی جبهه‌النصره به رسمیت شناخته نخواهد شد و جبهه با آن ارتباط برقرار نخواهد کرد.

### ۳. برنامه‌های و عقیدتی و سیاسی

بحث درباره تمایل و جهت‌گیری ایدئولوژی «جبهه‌النصره» دارای ابعاد مهمی است؛ زیرا هفت گروه اصلی جبهه‌النصره، جهت‌گیری ایدئولوژیکی گوناگونی دارند؛ یعنی اگر یک جبهه ایدئولوژی رسمی هم تشکیل شود، بر پایه مفاهیم اساسی اسلامی درونی آن، احتمال ضعیف دارد که در سطوح فرماندهی نافذ شود و عمومیت پیدا کند. علاوه بر این به دلایل متعدد، رهبران جبهه‌النصره تلاش خواهند کرد نمای ظاهری ایدئولوژی عمومی را حفظ کنند. خیلی زودتر از تشکیل جبهه در نوامبر ۲۰۱۳، اعضا مانیفست عمومی را امضا کردند که در آن دیدگاه‌های ارتدوکسی «احرار الشام» منعکس شده بود. در این نگرش دروغ و بی‌اساس، تفکرات اساسی مانند «دولت فراگیر» با مفاهیم دموکراتیک اثبات شده بودند. همین سند تا به امروز تنها برنامه کامل سیاسی «جبهه‌النصره» محسوب می‌شود و تمامی اعضا، آماده حفظ و رعایت آن هستند.

جبهه‌النصره به لحاظ عقیدتی - سیاسی در «میان راه» بین حمایت‌کنندگان غربی و پادشاهان عرب خلیج فارس، تسلیح و تجهیزکنندگان گروه‌های مخالف مرتبط با «ارتش آزاد سوریه» و گروه‌های افراطی تحت حمایت القاعده، جبهه النصره و داعش قرار گرفته است. این اتفاق سبب شده تا این گروه به «انتخاب‌کننده نامعلوم» تبدیل شود و در مسابقه مبارزاتی با دولت اسد تأثیرگذار باشد. بسیاری درون اپوزیسیون سوریه و حتی برخی اشخاص رسمی ایالات

متحدہ آمریکا مخالف تماس و ارتباط با جبهہ النصرہ نیستند؛ با اینکه بسیاری از گروهک‌هایی کہ در ترکیب آن هستند، اهداف دیگری را دنبال می‌کنند. این مسئله را نیز باید در نظر گرفت کہ خود جبهہ النصرہ علیہ چنین تمایلات و تلاش‌هایی است و آشکارا از غرب فاصلہ می‌گیرد.

عرصہ ایدئولوژیکی جبهہ النصرہ نامتناسب و غیرهماہنگ است. بسیاری از گروهک‌ها از جملہ «تیپ صقور الشام»، «تیپ توحید»، «تیپ حق» و جیش اسلام از گرایش‌های بنیادگرایانہ ریشہ گرفته‌اند. برخی گروهک‌ها در ہمین ارتباط با اخوان المسلمین ارتباط تنگاتنگی دارند. مسائل جزم‌اندیشانہ‌ای ہم وجود دارد کہ برخی از آنها در گزارش‌های مختلف نوشتہ شدہ‌اند؛ مانند اینکه اعضای ارتش آزاد سوریه و سلفی‌ها بہ مقابله با یکدیگر پرداختند. این گروهک‌ها نیز اعتراض و مخالفتی برای مثال با «شورای عالی نظامی» نداشتند؛ اما بعد از تشکیل «جبهہ النصرہ» بہ مخالفت شدید با غرب پرداختند و علناً ارتباط خود را با حامیان آمریکا و رہبران گروه‌ها قطع کردند.

بیانات پر طمطراق رہبران گروهک جبهہ النصرہ با سپری شدن زمان، مرحلہ بہ مرحلہ تغییر و در نتیجہ آن، توسعہ ایدئولوژیکی داخل گروه از لایہ‌های فرماندہی بہ سایر جنگجویان سرایت کرد و حامیان غربی و حتی فشارهای متحدان سلفی و اسپانسرهای خارجی را تحت تأثیر قرار داد. برای نمونہ در سال ۲۰۱۲، رہبر «تیپ صقور الشام»، احمد عیسی الشیخ، ایجاد «دولت فراگیر» را در چارچوب دورنمای اسلامی بر پایہ انتخابات عمومی و با رعایت حقوق اقلیت‌های مذہبی و سکولارها ممکن تلقی کرد. او می‌گفت: «اسلامگرایان باید با دیگران در «بازار ایدہ‌ها» رقابت کنند.» با این حال وی از زمان اظہار عقاید و ایدئولوژی خود با مخالفت سرسختانہ جناح سلفی اپوزیسیون مواجه شد.

## الف) مشکلات وحدت سیاسی

هرچند ممکن است مانیفست و راهبرد اتخاذ شده، منابع وحدت سیاسی را به ایجاد خط سیاسی واحد، مؤثر و مفید جبهه‌النصره سوق دهد، ولی قیل و قال سیاسی با و نتایج به دست آمده در محیط نظامی، این مسئله را تحت تأثیر قرار خواهد داد. البته می‌توان درباره دستاوردهای برخی از یکپارچگی‌ها نیز صحبت کرد. به عنوان مثال احرار الشام در دسامبر ۲۰۱۲، ۱۰ گروهک دیگر را در چارچوب «جبهه‌النصره سوریه» گرد هم آورد، ولی این ساختار در ارتباط با تشکیل جبهه‌النصره دوباره از هم پاشید. با این حال برای تکامل تدریجی، سپری شدن یک سال درس عبرت شد و از ۱۰ گروهک کوچک جبهه‌النصره سوریه، هفت گروه به صورت دائمی به «احرار الشام» پیوستند. دو گروه باقی‌مانده اعضای «جبهه‌النصره سوریه» یعنی «تیپ حق» و «تیپ انصار الشام» به تبع «احرار الشام» وارد «جبهه‌النصره» جدید شدند، اما تا به امروز یک گروه مسلط و برتر، داخل جبهه‌النصره وجود ندارد که بتواند بقیه را جلب، جذب، متحد و متفق کند. گروه «احرار الشام» در چارچوب «جبهه‌النصره سوریه» می‌توانست از چنین قابلیت‌هایی بهره‌مند باشد.

بی‌تردید عملی شدن چنین امر پیچیده‌ای کار آسانی نخواهد بود. برای اینکه جبهه‌النصره بتواند بدون دردسر از گذشته خود تجربه بگیرد، باید با چالش‌های مختلفی مواجه شود. درباره آینده آن نیز تردیدهایی وجود دارد. اگر تصور می‌شود این گروه در آینده برای مبارزه با دولت اسد و نیز داعش مقتدرتر می‌شود، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی است. به احتمال زیاد، جبهه‌النصره در آینده نزدیک، ضعیف‌تر و چتر ساختار سازمانی آن محدودتر خواهد شد و تلاش خواهد کرد زمان را مغتنم شمارد و شانس مجدد برای نیل به اهداف خود را تجربه کند.

### ب) اهداف سیاسی تشکیل دولت اسلامی سوریه

جبهه‌النصره در مانیفست خود اعلام کرده که قصد راسخ دارد دولت مستقل ایجاد کند تا در آن حاکمیت با قانون خداوند رحمان باشد و حاکمان جهت عدالت‌گستری برای ارتقای زندگی شایسته مردم تلاش کنند؛ گسترش عدالت و رفاه قشرهای مختلف مردم، اجزای لاینفک این تلاش‌ها محسوب می‌شود. برخورداری از شریعت و پژوهش برای فراهم‌آوری روش‌های عملی و اجرایی از جنبه‌های دیگر این تلاش برای نیل به چشم‌اندازهای اهداف آتی ارزیابی شده‌اند. همچنین به کار بستن تجارب برخی جنبش‌های اسلامی نظیر جنبش اخوان‌المسلمین و سازمان‌های مرتبط با آن نیز در جریان‌های این دگرگونی مد نظر قرار گرفته‌اند؛ زیرا این گروه‌ها نیز همانند اخوان‌المسلمین، برخورداری از شریعت در تمام پروسه‌های اصلاح اجتماعی و ارتقای دانش جامعه را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند و بر پیروزی‌های توأم با تلاش و ساختارسازی در هرم قدرت و تبدیل شدن به قدرت برتر تأکید دارند.<sup>۱</sup>

«جبهه‌النصره» دیدگاه دیگری هم دارد که در صورت به کار بستن آن باید گسترش آگاهی و دانش جامعه اسلامی عملی شود. در چارچوب فعالیت‌های آموزش اجتماعی این جبهه، اعضای آن از حق رأی مخالف یا موافق برای پذیرش شریعت برخوردار نیستند. بر اساس تفسیر و تعبیر قرآن توسط سلفی‌ها، اذن اتخاذ تصمیم برای برقراری شریعت یعنی قرار گرفتن خواست‌های سیاسی و اراده انسان بالاتر از حاکمیت الهی و دین، الحاد و شرک محض است. جبهه‌النصره این نظریه را مغایر با اهداف دولت اسلامی می‌داند. زیرا اعتقاد دارد که چنین حرکتی بر قانونمندی نفی سکولاریزم می‌انجامد که مانند وسیله‌ای برای جدا کردن مذهب از زندگی و جامعه، مذهب را به مراسم، تشریفات، آداب و

۱. با این حال بر خلاف اخوان‌المسلمین، روش این گروه‌ها بر اعمال تروریستی و خشونت طلبانه استوار است.



سنن محدود می‌کند. این حرکت مخالف اسلام است؛ زیرا اسلام هم فرد، هم جامعه و هم دولت را ساختارسازی و سازماندهی می‌کند. جبهه النصره هم‌چنین منکر برقراری دولت فراگیر است و از قبول آن سر باز می‌زند. بر این اساس آنها مانند اخوان المسلمین از اصطلاح دولت مدنی که موضع اسلام‌گراها، گروه‌های سکولار و متحدان غرب را به هم وصل می‌کند، استفاده می‌کنند.

از نظر جبهه النصره، همان‌طور که دموکراسی و حاکمیت پارلمانی در مقابل دیدگان مردم انکار می‌شود، سیستم‌های انتخاب الکترال نیز بر پایه حقوق انسانی توسط منابع شناخته‌شده نقض می‌شوند. این در حالیست که در اسلام، مجازات و قضاوت فقط برعهده خداوند است. همان‌طور که قرآن تصریح می‌کند، فقط خداوند می‌تواند قوانین را ایجاد کند.

حسن العبود در مصاحبه با الجزیره انگلیسی‌زبان اظهار کرد: «دولت اسلامی تضمین‌کننده آزادی‌های سیاسی است و غرب از ادعاهای غلط اسلام‌گراها در رنج و عذاب به سر می‌برد.» آنچه از اظهارات حسن عبود برمی‌آید این است که دولت اسلامی باید در دانشکده‌ها برقرار شود، نه در محورهای حاکمیتی یا حزبی که به خودکامگی و استبداد منجر می‌شوند. بنابراین هیچ حزب یا فردی نخواهد توانست کنترل تمام سیستم‌های سیاسی را به دست گیرد.

علاوه بر این، هم قوانین، هم قضاوت و هم اشخاص دولتی، عملکرد خود را در مقابل مردم قرار خواهند داد و مردم، تمام شئون دولت را روبه‌روی خود ملاحظه خواهند کرد. حسن عبود در ادامه تأکید می‌کند: «زنان نیز در چنین جامعه‌ای حق آموزش و اشتغال خواهند داشت و این انتخاب در قالب میزان و حجم همان مجوزهای شریعت است. وقتی از دموکراسی روی برمی‌گردانیم، مشخصاً به این معنا نیست که قصد داریم یک سیستم خودکامه و مستبد برقرار کنیم یا به دیکتاتوری، ستمگری، رژیم توتالیتاری و سیستم‌هایی که سلب حقوق

می‌کنند و به مردم فشار می‌آورند، روی آوریم؛ بلکه به زودی رژیم‌ی ایجاد خواهیم کرد که در آن همه قشرهای مردم مشارکت کنند و مرکز شورای آن را به علما و دانشمندان واگذار خواهیم کرد. شورا حق نظارت و ایفای نقش خود را خواهد داشت و دولت زیر نظر مستقیم شورا عمل خواهد کرد.»

در چنین سیستمی، مراسم و تشریفات مربوط به اخذ رأی به اشکال مختلف نیز می‌تواند عملی شود؛ برای مثال، موقع انتخاب شخصیت‌های دولتی و تقسیم و توزیع منابع می‌توان به اشکال مختلف عمل کرد.

مدل پیشنهادی حسن العبود را می‌توان به عنوان مقوله‌ای سنی، مشابه تئوری خلافت نوین ارزیابی کرد که تحت نظارت شخصیت‌های مذهبی قرار دارد و دارای برخی شاخصه‌ها و اشکال سیاسی رقابتی درون سیستم سیاسی بر مبنای شریعت است.

#### ۴. گروه جبهه النصره در مطبوعات عربی

##### الف) مطبوعات طرفدار سوریه

نشریه فلسطینی المنار به نقل از نشریه لبنانی السفير در مورد رقابت میان جبهه النصره و جبهه النصره می‌نویسد: «تفاوت میان این دو سازمان در وجود یا فقدان ارتباط با القاعده است. برخلاف گروه جبهه النصره، گروه جبهه النصره هیچ رابطه‌ای با القاعده ندارد. جبهه النصره به شیوه‌های مختلف تسلیحات لازم را در اختیار جبهه النصره می‌گذارد.» در درگیری‌های این گروه با داعش، طبق تصریح فرمانده عربستانی‌الاصل داعش «هانی البلادی الحری» تمام تسلیحات جبهه النصره از طریق جبهه النصره تأمین می‌شد.

نشریه لبنانی السفير به نقل از میدل ایست پانورامن می‌نویسد: «جبهه النصره چیست؟ چه کسی آن را بنیان‌گذاری کرد و این گروه با القاعده چه ارتباطی دارد؟

وجود کلمه سوری در نام سازمان می‌تواند نشان‌دهنده حیثیت و نفوذ منطقه‌ای رهبر آن باشد. استخوان‌بندی و اسکلت جبهه النصره، تیپ احرار الشام است و به مقام مفتی اعظم تعلق دارد که ابوعباس الشامی در این پست قرار دارد. «مقام یا پست «مفتی اعظم» در آموزه‌های اسلامی مهم‌تر از مقام «امیر» است؛ به ویژه مفتی تعیین‌کننده تحرکات سیاسی گروه نیز می‌باشد.

احرار الشام تعلق خود به جریان سلفی را پنهان نمی‌کند. برخلاف سایر گروه‌ها که فاقد جهت‌گیری‌های عقیدتی روشن و شفاف هستند، احرار الشام خود را پیرو سلفی‌ها می‌داند. برخی از اعضای آن از ابتدا اعلام کردند که هدف‌شان ایجاد دولت عدالت‌گرا و غیرمذهبی است؛ برخی هم بعدها وارد ایده ایجاد خلافت اسلامی شدند که از آن جمله می‌توان به رهبر جیش الاسلام، ظهران علوش اشاره کرد. رهبر گروه احرار الشام، احمد ابوعیسی شیخ، از اولین روزهای بحران سوریه اعلام کرد برای ایجاد دولت غیرمذهبی و دموکراتیک وارد صحنه نبرد با دولت حاکم سوریه شده است. پس از ایجاد جبهه‌النصره، وی از دیدگاه‌های قبلی خود به طور کلی امتناع ورزید. چنین تغییر جهتی به شکل فوق‌العاده وحشتناکی انجام شد؛ به طوری که احمد ابوعیسی شیخ اعلام کرد که طبق شرایط موجود، نظر خود را ابراز کرده و ممکن است بعداً نظر دیگری داشته باشد. لواء التوحید (تیپ توحید) نیز روند مشابهی را گذراند؛ البته از ایده‌های غیرمذهبی حمایت می‌کرد. بعدها اعضای جبهه النصره سوگند یاد کردند که رهبر تیپ توحید عبدالقادر صالح قبل از مرگش گفته بود که هدف گروه، تشکیل خلافت است. «... شواهد مستقیم و غیرمستقیم زیادی وجود دارد که اثبات می‌کند بین «جبهه‌النصره» و تروریسم جهانی، بواسطه ارتباط با القاعده، پیوند مستقیمی وجود دارد. گروه‌های احرار الشام، اولین گروه مسلح سوریه است که نیروهای خارجی را در میان صفوف جنگجویان خود پذیرفت. این جنگجویان خارجی که سابقاً در ترکیب

القاعده بوده‌اند، تجارب جنگ در مناطق متعدد جهان از جمله افغانستان را داشتند. این کامل‌ترین دلیل یا برهان به سود نظریه تعلق و نسبت جبهه‌النصره سوریه به شبکه‌های جهاد جهانی در چهره القاعده است. حسن العبود، رهبر احرار الشام، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی الجزیره اظهار داشت: ما آرزوی دیدن روزی را داریم که مرزهای تحمیلی برای ما از بین بروند و اوضاع بد و محرومیت ما برطرف شود... عربستان سعودی از ارتش آزاد سوریه به سود اتحاد بین جبهه‌النصره سوریه و جبهه النصره خلاص می‌شود. ایده ایجاد جبهه‌النصره در سال ۲۰۱۲ بعد از ملاقات و دیدار ظهران علوش در عربستان سعودی با عناصر اطلاعاتی این کشور و شیخ سلیمان العلوان، یکی از معتبرترین و نافذترین شخصیت‌ها در عربستان سعودی، صورت پذیرفت. شیخ سلیمان یکی از پشتیبانان القاعده است.

جمع‌بندی مهم‌ترین نتایج این دیدار و مذاکرات، نزدیکی با جبهه النصره بعد از دو سال خصومت بود. بر اساس نقل روزنامه کانادایی، برخی منابع تأکید دارند که جبهه النصره به صورت مستقیم در مذاکرات گروهک‌ها در ارتباط با تشکیل جبهه‌النصره سوریه مشارکت داشته است. نزدیک شدن مواضع بین جیش الاسلام و احرار الشام نیز با کمک عربستان سعودی انجام شد. در مجموع در این جریان القاعده برنده بود. نشریه لبنانی الخبر به نقل از منابع خود اعلام کرد: «ارتباط تنگاتنگی میان سران شورای مشورتی جبهه‌النصره سوریه به ویژه ابوعیسی شیخ با نمایندگان سرویس‌های جاسوسی ایالات متحده آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی وجود دارد.» این نشریه، رهبر گروهک ارتش اسلام (جیش الاسلام)، محمد ظهران بن عبدالله علوش را عنصر ریاض توصیف می‌کند و گروهک‌هایی را که به جبهه‌النصره سوریه ملحق شده‌اند و نیز ارتباط دائم و تنگاتنگی با سازمان جاسوسی آمریکا دارند، مجری سیاست‌های آنها می‌داند.

در خصوص جبهه‌النصره، جان کری به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا، یکی از

کسانی است که باعث خون‌ریزی و قتل و کشتار شده است. قالب قنديل، رئيس مركز اطلاعات تحقيقات شرق جديد در لبنان، خاطرنشان می‌سازد: «بخش نظامی اخوان المسلمین در ترکیب جبهه‌النصره است و به‌رغم اینکه دارای ویژگی کامل اسلامی است و در اساسنامه‌اش بر تبدیل سوریه به خلافت تأکید شده است و در همین جهت نیز تلاش می‌کند، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، دیدگاه‌های اعتدالی را نسبت به لایه‌های مختلف این گروه تزریق و تبیین می‌نماید.»

مولف نشریه، جان کری و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا یعنی قطر، ترکیه و عربستان سعودی را به حمایت و هماهنگی گروهک‌های تروریستی در اراضی سوریه بعد از شکست پروژه ارتش آزاد سوریه متهم می‌کند.

نشریه سوریه‌ای الزمانه معتقد است: «ساختار جبهه‌النصره، داعش و ارتش آزاد سوریه از پایین تا رأس فرماندهان مالا مال از نفوذ عناصر اطلاعاتی — جاسوسی سوریه است تا جایی که تمام تلاش‌های این گروهک‌ها بر اثر سیطره اطلاعات سوریه به طور کلی در بن‌بست کامل قرار گرفته‌اند و البغدادی و الجولانی در راستای تمایلات رژیم سوریه عمل می‌کنند. از همان ابتدای شروع بحران سوریه، دشمنان سوریه تلاش کردند ارتش سوریه را از بین ببرند و بین سربازان و فرماندهان این ارتش تفرقه ایجاد کنند. جبهه النصره شبکه‌های ترور را در تمام اراضی سوریه به راه انداخت و هر قدر جنگ طولانی‌تر شد، داعش و النصره به ایجاد قرارگاه پرداختند. آنها هرگز به کیفیت کار خود نپرداختند، بلکه با جذب داوطلبان جدید کمیت را بالا بردند. آنها اوایل کار خود انتخاب افراد در گروهک‌ها را بر پایه دانش و معارف اسلامی ارزیابی، گزینش و با توصیه دو فرمانده وارد گروهک‌ها می‌کردند، ولی بعدها جنگجویان را بدون هیچ‌گونه ملاحظات خاصی پذیرفتند. بنابراین، در واقع رهبران و فرماندهان سه گره اصلی سوریه به جای مقابله با دولت سوریه و ممانعت از نفوذ جاسوسان، یکدیگر را



کسانی است که باعث خون‌ریزی و قتل و کشتار شده است. قالب قندیل، رئیس مرکز اطلاعات تحقیقات شرق جدید در لبنان، خاطرنشان می‌سازد: «بخش نظامی اخوان المسلمین در ترکیب جبهه النصره است و به‌رغم اینکه دارای ویژگی کامل اسلامی است و در اساسنامه‌اش بر تبدیل سوریه به خلافت تأکید شده است و در همین جهت نیز تلاش می‌کند، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، دیدگاه‌های اعتدالی را نسبت به لایه‌های مختلف این گروه تزیق و تبیین می‌نماید.»

مولف نشریه، جان کری و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا یعنی قطر، ترکیه و عربستان سعودی را به حمایت و هماهنگی گروهک‌های تروریستی در اراضی سوریه بعد از شکست پروژه ارتش آزاد سوریه متهم می‌کند.

نشریه سوریه‌ای الزمانه معتقد است: «ساختار جبهه النصره، داعش و ارتش آزاد سوریه از پایین تا رأس فرماندهان مالا مال از نفوذ عناصر اطلاعاتی — جاسوسی سوریه است تا جایی که تمام تلاش‌های این گروهک‌ها بر اثر سیطره اطلاعات سوریه به طور کلی در بن‌بست کامل قرار گرفته‌اند و البغدادی و الجولانی در راستای تمایلات رژیم سوریه عمل می‌کنند. از همان ابتدای شروع بحران سوریه، دشمنان سوریه تلاش کردند ارتش سوریه را از بین ببرند و بین سربازان و فرماندهان این ارتش تفرقه ایجاد کنند. جبهه النصره شبکه‌های ترور را در تمام اراضی سوریه به راه انداخت و هر قدر جنگ طولانی‌تر شد، داعش و النصره به ایجاد قرارگاه پرداختند. آنها هرگز به کیفیت کار خود پرداختند، بلکه با جذب داوطلبان جدید کمیت را بالا بردند. آنها اوایل کار خود انتخاب افراد در گروهک‌ها را بر پایه دانش و معارف اسلامی ارزیابی، گزینش و با توصیه دو فرمانده وارد گروهک‌ها می‌کردند، ولى بعدها جنگجویان را بدون هیچ‌گونه ملاحظات خاصی پذیرفتند. بنابراین، در واقع رهبران و فرماندهان سه گره اصلی سوریه به جای مقابله با دولت سوریه و ممانعت از نفوذ جاسوسان، یکدیگر را

تعقیب و مراقبت می‌کردند و عملکرد همدیگر را زیر نظر داشتند. غافل از اینکه میان کشمکش و رقابت گروهک‌ها، سرویس اطلاعاتی سوریه به لایه‌های اصلی این گروهک‌ها نفوذ و مشکلاتی را برای آنها ایجاد کرد. شهروندان سوریه که بخش اعظم آنها با سرویس اطلاعاتی کشورشان ارتباط دارند، ارتش مردمی لقب گرفته‌اند که کاری اساسی‌تر از نبرد رودرو انجام می‌دهند. آنها به خوبی می‌دانند چگونه در قبال گروهک‌ها در داخل کشور عملیات اجرا کنند که نتیجه عملیات به سود حکومت سوریه منتهی شود.»

به رغم وجود این دیدگاه، نشریه الاحرام در خصوص شرارت‌های آمریکا می‌نویسد: «ایالات متحده آمریکا از بنیادگرایان برای اهداف و منافع خود استفاده می‌کند. بسیاری از فرماندهان گروهک‌های تروریستی، اشخاص وابسته به آمریکا و برخی دیگر از شهروندان آمریکا هستند.»

مطبوعات طرفدار سوریه به طور سستی به وقایع جاری منطقه از دیدگاهی واحد نگاه و مستقیماً علایق طرفین را منعکس می‌کنند. در سال ۲۰۱۲ نشریه عراقی صوت العراق در مورد مقاصد و نیات قطر مبنی بر ایجاد مناقشات بین سنی‌های منطقه هشدار داده و به مناقشه بین اخوان المسلمین و سلفی‌ها در زمینه پیچیدگی و تیرگی روابط قطر و عربستان سعودی - که به طور قطع توسط اسرائیل و آمریکا به اوج خود خواهد رسید - اشاره کرده است.

در ۲۸ ژانویه نشریه کانادایی میدل ایست پانورامن مقاله‌ای انتشار داد. عنوان مقاله «واقعیتی درباره هلال شیعه و قمر سنی‌ها» بود. در جایی از این مقاله به مواردی از طرح‌های منطقه‌ای و جهانی که قصد دارند قدرت‌های منطقه‌ای را به سمت آتش‌افروزی و مناقشه بین شیعه و سنی هدایت کنند، اشاره شده است: «سنی‌های دروغین و شیعه‌های دروغین که در قطر سازمان می‌یابند، سازمان‌های اسلامی و تروισت‌های وهابی هستند.» این نشریه تنها راه خروج از بن‌بست را



سکولار کردن حکومت‌های عربی و دور کردن این دولت‌ها از تفرقه افکنی میان شیعه و سنی و ساماندهی سنی‌های دروغین و شیعیان دروغین دانسته است.

#### ب) مطبوعات مخالف سوریه

اخوان‌المسلمین سوریه فراخوانی احساسی منتشر کرد که محتوای آن درخواست حمایت از گروهک جبهه سلامی و گروهک‌های زیر مجموعه آن بود. در این فراخوان عمومی تأکید شده است که مسلمانان از رهبران این گروهک حمایت کنند؛ زیرا این گروه، آرزویی است که مسلمانان مدت‌های طولانی در انتظارش بودند.

نشریه زمان الوصل که بیان‌کننده مواضع ائتلاف ملی و مخالفان دولت سوریه است، با اشاره به کلماتی نظیر «مجوس، مغ، جادوگر و ساحر»، ایران و متحدان آن همچون حزب‌الله را تهدیدی جدی و خطری مستقیم برای جبهه‌النصره می‌نامد. در ویدئو کلیپی که از این گروه منتشر شده، در کنار تانک‌های ارتش سوریه، تصاویری از دسته‌های حزب‌الله به تصویر کشیده شده‌اند که در دست آنها پرچم‌هایی به رنگ زرد و سیاه دیده می‌شود.

۱۰ گروهک بزرگ متحد اسلامی سوریه و برخی مبلغان و واعظان در عربستان سعودی از ظهور جبهه‌النصره استقبال کرده‌اند و به آینده آن خوشبین هستند. این مطلب توسط نشریه اسلامی/السکینه انتشار یافته و در آن حمایت ۲۷ تن از شیوخ سعودی از جبهه‌النصره درج شده است.

نویسنده «روزنامه قطری» «العرب» که نتوانسته خشم خود را پنهان کند، می‌نویسد: جبهه النصره پس از شکل‌گیری، یکباره شروع به انتقاد از لیبرالیست‌های اپوزیسیون سوریه کرد و آن دسته از افرادی را که در پاریس و استانبول دور هم نشسته‌اند و هرگز سلاح به دست نگرفته و وارد عرصه کارزار نشده‌اند، به شدت مورد انتقاد قرار داده است.»

نویسنده از همه گروهک‌های اسلامی خواسته تا به صورت متحد، وارد ترکیب جبهه‌النصره شوند و جبهه مخالفان سیاسی دولت سوریه نیز آن را به رسمیت بشناسد. یکی از جنگجویان گروهک «داعش» به نام ابوزید الانصاری، جبهه‌النصره را جاسوسان عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا خوانده است. این مطلب را تلویزیون قطری الجزیره منتشر کرد.

سایت رسمی «اخوان المسلمین سوریه» در مقاله‌ای ضمن تجزیه و تحلیل کامل ساختار و ایدئولوژی «ارتش انقلابیون سوریه» و جبهه‌النصره تأکید دارد برخلاف جبهه‌النصره که تلاش می‌کند در اراضی سوریه، دولت اسلامی ایجاد کند، جبهه‌النصره به دنبال اجرای «جهاد جهانی» است.

در بخش نخست مقاله، نویسنده به فرمول‌بندی و تصریح «ارتش اشغالگر اسد» پرداخته و در آن، ترکیب واژه «نیروهای اشغالگر» در رسانه‌های گروهی عربی و ادبیات سستی به جای اصطلاح «نیروهای مسلح اسرائیل» را به کار برده است. همچنین نویسنده به تشابهات و تفاوت‌های ارتش‌های سوریه و اسرائیل پرداخته است. مطابق تجزیه و تحلیل وی، «ارتش سوریه استعداد گروه‌بندی رزمی خود را از دست داده است و بسیاری از افسران و نظامیان از این ارتش متواری و به صفوف «گروه‌های مخالف» پیوسته‌اند. علاوه بر این، مشارکت اخوان المسلمین در جنگ داخلی سوریه محدود به کمک به گروهک‌های در حال جنگ است؛ اما بیشترین آنها و فقط «کمیتة سپر انقلاب» متشکل از اخوان المسلمین است که اعضای آنها قریب ۱۰ هزار نفر هستند».

در این مقاله به چند عامل اشاره شده که با تطابق و مقایسه آنها می‌توان به نتایج خوبی دست یافت که نشان‌دهنده ضعف اردوگاه طرف گروه‌های معارض دولت سوریه است:

۱. وجود مراکز عملیاتی که وظایف‌شان فقط تطابق و هماهنگی اطلاعات و

اخبار است، نشان از چند دستگی و عدم اعتماد میان آنها دارد.

۲. تقسیم و تجزیه جنگجویان به رادیکال‌ها و هواداران دولت غیرمذهبی در رسانه‌های عربی و جهانی که باعث انشعاب، تفرقه، رقابت و چشم و هم‌چشمی در صفوف آنها می‌شود.

۳. هماهنگی و مطابقت ضعیف بین گروه‌های مختلف و همچنین وجود گروه‌های اجیر شده که از پشتیبانان خود پی در پی جدا می‌شوند و به گروه دیگر می‌پیوندند، سبب اختلال در سیستم پشتیبانی گروه‌ها شده است؛ زیرا معلوم نیست گروه‌ها دقیقاً از طرف چه کسانی حمایت مالی می‌شوند.

۴. تصادم، برخورد و رویارویی با داعش و بقیه گروهک‌ها، باعث نبرد مستقیم میان آنها شده است.

عبدالرحمن الرشید، یکی از گزارشگران معروف نشریه لندن‌نی الشرق الاوسط، سوری‌های جدا شده از حکومت و پیوسته به القاعده، داعش و ارتش آزاد را از نزدیک دیده است. این اشخاص علایق همه قشرهای سوری از جمله مسلمانان و مسیحیان، اعراب و کردها را ابراز داشته و به مسئله‌ای واحد تأکید کرده‌اند و جبهه‌النصره را بزرگ‌ترین اتحاد مخالفان دولت سوریه دانسته‌اند.

نشریه العرب نیز جبهه‌النصره را بزرگ‌ترین تشکیلات مخالفان دولت سوریه بیان کرده و عواملی را که برای ایجاد این گروه مؤثر بوده‌اند، چنین برشمرده است:

۱. ضعف مخالفان سیاسی سوریه؛

۲. ارتقا و افزایش نقش اسلام‌گرایان رادیکال به ویژه داعش؛

۳. فعال‌تر شدن عملیات‌های نظامی رژیم سوریه در اراضی تحت کنترل مخالفان.

اگرچه تشکیل گروه جبهه‌النصره باید مکانیزم مناقشات داخلی سوریه را عوض می‌کرد، اما از تهدیدهای تروریستی این گروه در برخی مواقع موجب نزدیک‌تر شدن علایق ایالات متحده آمریکا و روسیه برای مبارزه با تروریسم

شده است.

نشریه لندننی القدس العربی معتقد است: «گروه اتحاد جبهه‌النصره بزرگ‌ترین گروه اسلامی است که بیش از ۵۰ هزار نیرو دارد و به عنوان متحد ارتش آزاد سوریه از حمایت‌های این گروه بهره‌مند است.»

نشریه الحیاه که در لندن منتشر می‌شود، در مقاله‌ای تأکید می‌کند که داعش و جبهه‌النصره به «مدرسه جنبش سلفی» تعلق دارند. در این مقاله به مشترکات اصولی بین دو تشکیلات اشاره شده است:

۱. در مقایسه با بی‌رحمی و تعصب داعش، جبهه‌النصره از دامنه حوصله، تحمل و بردباری بیشتری نسبت به دگراندیشان برخوردار است.

۲. تلاش بی‌حد و حصر داعش بر محور ایجاد خلافت در همه بخش‌ها و زمین‌های تصرف شده است، اما جبهه‌النصره مبارزه و سرنگونی دولت اسد را در رئوس تلاش‌های اصلی خود قرار داده است.

۳. در لایه‌های اصلی ساختار داعش، خارجی‌ها حضور فعال دارند. خارجی‌ها با آداب و معاشرت و سنن سوریه آشنا نیستند، ولی جبهه‌النصره متشکل از سوری‌هاست و به طور کلی آنها یکدست‌اند و همدیگر را می‌شناسند. یکپارچگی مانع نفوذ عناصر اطلاعاتی به صفوف آنها شده و عناصر اطلاعاتی دولت برای نفوذ به لایه‌های این تشکیلات با مانع روبه‌رو هستند.

۴. داعش فقط با گروه جبهه‌النصره همکاری دارد ولی گروه جبهه‌النصره با همه گروهک‌های حاضر در سوریه همکاری نزدیک دارد.

۵. داعش از تجارب رزمی زیادی برخوردار است، ولی جبهه‌النصره از دانش مناسب و متناسب با اوضاع سوریه بهره‌مند است.

۶. داعش سازمانی نامفهوم، مخفی و اسرارآمیز دارد. به همین دلیل در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دارد، اما جبهه‌النصره منابع مالی خود را از دید

کشورهای خلیج فارس، اروپا و دولت‌های منطقه پنهان نمی‌کند.

### ۵. گروه ارتش ملی آزاد

نشریه لندن‌الشرق الاوسط، ژانویه همان سال مصاحبه‌ای با اسد مصطفی وزیر دفاع موقت حکومت سوریه، درباره مقاصد حکومت موقت و ایجاد ارتش ملی آزاد انجام داد که اسد مصطفی اعلام کرد: «برای مبارزه با افراط‌گرایان مذهبی، دولت اسد و همین‌طور تأمین امنیت پس از اسد، ارتش ملی آزاد را ایجاد کرده‌اند، ولی وظیفه کنونی این ارتش مشورت با گروه‌های مسلح از جمله جبهه‌النصره است که از گروهک‌های متعدد اسلامی تشکیل شده است. بسیاری از گروه‌ها با ایجاد «ارتش ملی آزاد» موافق هستند».

رهبر «جبهه شورشیان سوریه»، جمال معروف، اعلام کرده است که گروهش برای ایجاد ارتش ملی آزاد تلاش خواهد کرد و هدف آن نبرد با رژیم سوریه و همین‌طور مقابله با گروه‌های اسلامی رادیکال است. او احتمال بروز درگیری بین ارتش ملی آزاد و بقیه گروه‌هایی را که وارد این ترکیب نشده‌اند، رد نکرد و با ارزیابی خوب از رابطه ارتش آزاد ملی با گروه جبهه‌النصره ادامه داد: «در عملیات مشترک بین این دو گروه، هماهنگی و مطابقت عملیاتی خوبی دیده شد».

اورینت نیوز، نشریه اپوزیسیون سوریه، سندی را منتشر کرده که بر اساس آن دو گروه جبهه‌النصره و جبهه قیام‌کنندگان سوریه توافق‌نامه صلح امضا کرده‌اند.

### ۶. اشاره‌ای کوتاه به خصوصیات رهبر گروهک جبهه النصره، ابومحمد الجولانی

نشریه الحوار، مقاله‌ای با عنوان «جبهه النصره را چه کسی رهبری می‌کند و ابومحمد الجولانی کیست؟» منتشر کرده است. مقاله با متهم کردن رهبران گروه‌های سوریه، محمد الشلبی (ابو سیاف) و ابو محمد الطائی را دست‌نشانندگان

و جاسوسان ترکیه، عربستان سعودی و اردن نامید.» این مقاله شخصیت رهبر جبهه النصره، محمد الجولانی، را نیز مانند یک سلاح تبلیغاتی در دستان عناصر اطلاعاتی کشورهای مختلف ارزیابی کرده است. در مقاله تأکید شده است: «هر طرف برای خود یک جولانی دارد. صدایت را ضبط کن و با پوشاندن روی میکروفون، آن را تغییر بده و لحن صدای خود را به واسطه سرپوش روی میکروفون عوض کن. این کار را با دستمال یا پاکت می‌توان انجام داد و سپس فایل صوتی آن را در اینترنت پخش کن و بالای آن بنویس: من جولانی هستم.»

روزنامه لبنانی السفير معتقد است که شخصیت محمد الجولانی پیچیده و پنهان است. این نشریه اضافه می‌کند: «سخت است تا پاسخ محکم داده شود که آیا الجولانی مرده یا زنده است؟»

به طور کلی محمد الجولانی قیافه و شکل معمایی و مرموز دارد و ارتباطات او نیز تردیدآمیز است. او زبان عربی و حتی مبانی و اصول اسلام را خیلی ضعیف می‌داند. دانش او از اسلام در سطح پایین و تسلطش به زبان عربی هم همین‌طور است. بلوگر در اظهارات و نظر شخصی خود در مورد الجولانی می‌گوید: «وی عنصر سازمان اطلاعات جاسوسی ایالات متحده آمریکاست و مأموریت او تخریب ساختارهای القاعده است.»

نشریه سعودی لوجینیات در حالی که تلاش نمی‌کند هویت اسرارآمیز و معمایی سنتی جبهه النصره را تخریب کند، ولی کم و بیش اعلام می‌کند جبهه النصره، گروهی است که مستقل عمل می‌کند و ترکیب آن مشتمل بر سوری‌ها، عراقی‌ها و برخی جوانان القاعده است و بعضی از آنها نیز کسانی هستند که از زندان‌های سوریه در زمان وقوع انقلاب رها شده‌اند و نیز میان صفوف این گروه، خارجی‌ها حضور دارند.

تصاویری که از الجولانی منتشر می‌شود، واقعی نیستند و گروهک تلاش ندارد

طرح‌های النصره را آشکار سازد. آنها ارتباطات گذشته و آینده خود با القاعده را کماکان پنهان نگه می‌دارند. در هر حال جبهه النصره تمایل دارد روابط خود را با سایر گروه‌های اسلامی حفظ کند. سیاست جدید النصره در ارتباط با رهبر داعش، برحذر داشتن وی از روش‌های خشونت‌آمیز است، ولی رهبر داعش قبلاً اعلام کرده که جبهه النصره باید به داعش بپیوندد و تحت امر داعش قرار گیرد.

نشریه لندن‌ای ایلاف، تصاویر الجولانی را انتشار داده و با عنوان مقاله «این است ابومحمد الجولانی، رهبر جبهه النصره در سوریه!» در سطح وسیعی منتشر کرده است.

از قرار معلوم محمد الجولانی شخصاً از ظاهر شدن در مقابل روزنامه‌نگاران اجتناب و از گفت‌وگو با رسانه‌ها به شدت پرهیز می‌کند.

سایت سوری - لبنانی الحدیث نیوز نیز اعلام کرده که این تصویر به وسیله سازمان جاسوسی آمریکا و آژانس خبری آمریکا آسوشیتد پرس انتشار یافته است.

سایت «عربین بیزنس»<sup>۱</sup> تصویر دیگری از الجولانی منتشر کرد. احتمالاً اسم اصلی او «عدنان الحاج علی» است. مصاحبه تلفنی الجولانی با کانال تلویزیونی الجزیره از طرف سایت، انتقادهایی را در پی داشت. زبانی که الجولانی صحبت می‌کرد هیچ ارتباطی با زبان و گویش سوری نداشت و با ادبیات سوریه نیز متفاوت بود در آن محل اشتباه به وضوح و آشکارا دیده می‌شد و نطق و بیان منحصر و مربوط به النصره نبود. صحبت جولانی نشان داد که او با اسلام آشنایی کامل ندارد و فاقد آموزش‌های اسلامی است. برای مثال رهبر القاعده ایمن الظواهری او را شیخ نمی‌نامد، بلکه او را دکتر خطاب می‌کند.

## نتیجه‌گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل فعالیت‌های گروهک‌ها، «گروه جبهه‌النصره» در مطبوعات ضد سوریه دچار پراکندگی و متزلزل بودن ساختار و بی‌کفایتی شدید است. جذابیت جبهه‌النصره در مطبوعات ضد سوریه به دلیل مخالفت‌ها و درگیری‌های این گروه با داعش است. آنها داعش را به عنوان پروژه‌ای غیر سوریه‌ای و چهره پنهان بیگانگان می‌نامند. جبهه‌النصره در مطبوعات طرفدار سوریه گروهی تلقی می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با سازمان تروریستی القاعده دارد و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط و اسپانسرهای جهانی از آن حمایت می‌کنند. در هر صورت، هر دو سازمان عنوان سازمان تروریستی بین‌المللی را یدک می‌کشند و متهم به از بین بردن دولت‌ها و ارتش‌های کشورهای عربی هستند.

## استنباط

شرح مختصر فعالیت‌های سیستماتیک گروهک‌های تروریستی امکان می‌دهد تا چند دیدگاه به عنوان نتیجه مرتبط با عملیات‌های نظامی نامنظم مورد توجه قرار گیرند. تحرکات تروریستی و نظامی با عناوین اسلامی در قرن ۲۱ نشان می‌دهد که اکثر درگیری‌ها ابتدا با روش‌های سنتی آغاز شده‌اند، اما وقتی با دشمن روبه‌رو می‌شوند، به مبارزه با روش‌های نامنظم رو می‌آورند. بهره‌گیری از روش‌های مبارزاتی نامنظم می‌تواند به فواید غیرمنتظره در مقیاس جهانی منجر شود. برخلاف محدودیت‌های جغرافیایی شورشگران گذشته، گروهک‌های تروریستی بین‌المللی در قرن ۲۱ می‌توانند در مقیاس جهانی عملیات اجرا کنند.

دریاسالار بازنشسته «اریک السون»، فرمانده واحد نیروهای عملیات ویژه نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا از ژوئن ۲۰۰۷ تا آگوست ۲۰۱۱، معتقد است



که در خصوص امنیت قرن ۲۱ می‌توان به روندهای نوینی اشاره کرد. زمانی که به نگرش مجدد به پایه‌های درک سیستم روابط بین‌المللی باز می‌گردیم، از جمله بررسی درک و شناخت حاکمیت، ملاحظه می‌کنیم در شرایط نوین، تهدیدهای امنیت ملی از هر طرف فراگیر می‌شود. این تهدیدها نه تنها از ناحیه گروه‌های تروریستی، بلکه از ناحیه دولت‌هایی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند نیازهای عمومی شهروندان خود را تأمین کنند، ناشی می‌شوند. هرچند در امنیت نوین، جنگ مقوله‌ای میان دولت‌های بزرگ، مراکز منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی (مراکز قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) کم احتمال به نظر می‌رسد، اما افزایش بحران‌ها و درگیری‌های سازماندهی‌نشده به رشد مناقشات کم‌ثمر و کم‌فایده منجر می‌شود. قریب ۸۰ درصد از این درگیری‌های مسلحانه در ۱۰ سال اخیر، پس از مرحله عملیات‌های منظم، وارد عرصه جنگ نامنظم شده و دوباره از سر گرفته شده‌اند. این مناقشات باید مثل محاسبات انتگرالی در هر مداخله مسلحانه یا مداخله خارجی مورد بررسی قرار گیرند.

سه چهارم مناقشات بین‌المللی بعد از خاتمه جنگ سرد، مناقشات کم‌ثمر و کم‌فایده محسوب می‌شوند و غالباً به دلیل ناتوانی و ضعف دولت‌های حاکم یا ساختارهای آنارشیستی و هرج و مرج داخلی یا «رژیم‌های فاقد صلاحیت‌های لازم» که در برخی از آنها اجزا و عناصر دموکراسی یا خودکامگی و استبداد و اتوکراسی مشکلات ایجاد می‌کنند، باعث بروز بی‌ثباتی می‌شوند که هیچ سودی برای طرفین در بر ندارد. در واقع هر نوع عدم صلاحیت و مشروعیت دولت‌ها سبب بروز بی‌ثباتی و رشد مناقشات، نفوذ و توسعه تروریسم محلی و منطقه‌ای و سپس رقابت ژئوپلیتیکی می‌شود.

در مناطق خاکستری جامعه جهانی، قدرت به دست باندهای دست‌نشانده می‌افتد. چنین گروه‌های جنایی، قاچاق، باندهای جنایتکار و تروریست، ابزار و

سازوبرگ نظامی فراوانی را در اختیار دارند و با تأمین و تدارک سایر ملزومات به توسعه عملیات نظامی و اقدامات تروریستی و آشوب و شورش و هرج و مرج مساعدت می‌کنند و مقدمات جنایت، ترور و وحشت عمومی را فراهم می‌کنند.

در اعمال زور مسلحانه، گروه‌های نژادی، قومی و مذهبی، سازمان‌های بدون مجوز قانونی و غیررسمی، دسته‌های مسلح فاقد دانش و آموزش‌های نظامی لازم، فرماندهان صحرایی و عرصه‌ای، شبکه‌های انتقالات غیرقانونی و .... وارد صحنه‌های فاقد قدرت حاکمیتی می‌شوند و به جنگ بدون محدودیت، شکل «جنگ قانونی» می‌دهند. این گروه‌ها عموماً عملیات‌های نظامی سرسختانه، بی‌رحمانه و دشوار یا حتی شکل عملیات‌های نامنظم طولانی‌مدت انجام می‌دهند. سرانجام این گونه درگیری‌ها و مناقشات پیچیده، سخت و دشوار را معمولاً بازیگران خارجی تعیین می‌کنند.

اعمال زور مسلحانه ویژگی مبهم و غیر قابل درک دارد و به دنبال شکستن اراده حریف و دشمن است؛ از جمله به وسیله تخریب روحی منابع شهروندان، زیربناها، خانه‌ها و .... در چنین اوضاع برخی طرفین مناقشه علاقه‌مند تداوم درگیری‌ها هستند؛ زیرا چنین وضعی به آنها امکان می‌دهد قدرت کسب کنند و نفوذ و اعتبار و حتی ثروت و پول کلان عایدشان شود؛ چیزی که آنها نمی‌توانند از سایر راه‌ها به آن دست یابند. برای سایر جنگ‌ها و مبارزات مسلحانه، این تنها روشی است که شورشیان و هرج و مرج‌طلبان را به مقاصد خود نزدیک می‌کند. در واقع آنها تنها چیزی که یاد گرفته‌اند و به خوبی از عهده آن می‌آیند، همان اقدامات ضد امنیتی و تروریستی است.

فرسایشی و طولانی شدن مناقشات به قالب‌گیری نسل‌ها می‌انجامد و نسلی که از زندگی فقط جنگ و ستیز را یاد گرفته و از هر آموزش و تعلیمات اجتماعی بی‌بهره مانده است، با چالش‌های مختلفی مواجه می‌شود. این نسل که

وارث مناقشات، مداخلات و ستیزه‌جویی تروریست‌ها است، فقط جنگ و عرصه نبرد نظامی را یاد گرفته و نگاه او به دنیای اطراف خود فقط ستیزه‌جویی است. محققان شکل‌گیری چنین نسلی را دلیل آغاز جنگ‌های طولانی مدت می‌دانند.

پیچیدگی امنیت در قرن ۲۱ و گوناگونی شکل عملیات‌های نامنظم، برخی محققان را به سمت درک درست «جنگ نوین» سوق داده است. «جنگ نوین» در مقابل «جنگ کهن» قرار گرفته است؛ با وجود این، طبیعت جنگ تغییر نمی‌کند. درست مثل حقانیت و درستی نقل قول مشهور «فوکیدیدا» درباره «ترس و وحشت، سرفرازی و عزت نفس، علاقه و تمایل» و مانند انگیزه‌های اولیه هر نوع رفتار سیاسی از جمله جنگ، ضرورت دارد با بررسی عملیات‌های نظامی نامنظم، درباره انگیزش‌ها و محرکه‌های رفتار سیاسی و تحرکاتی که اهداف کنترل جمعیت و قلمرو دارد، بحث و بررسی صورت گیرد. در این روند بدون اینکه پایه‌های تمدنی یا فرهنگی جامعه تغییر کنند چیزی عاید نخواهد شد. عملیات نظامی نامنظم، طبیعت خاصی ندارد، اما در وجوه مختلف با جنگ منظم کاملاً متفاوت است. عملیات نامنظم، دامنه وسیع‌تر و اشکال گوناگونی دارد و این حقیقت عینی جنگ است. حقیقت عینی جنگ که تئورسین‌های نظامی چینی، آن را «عملیات رزمی نامحدود» نامیده‌اند، روش‌های عملیاتی و مختلفی را دربردارد و می‌توان گفت هر نوع روشی را شامل می‌شود که در نیروهای نامنظم به کار گرفته می‌شود.

اصل «استراتژی عملی» برخلاف تئوری «استراتژی عمومی» است. «برنارد برودی» به خوبی آن را توضیح داده است: «اندیشه‌ها و تفکرات راهبردی یا تئوریک همان‌طور که برخی ترجیح می‌دهند صحبت کنند، همان اصالت عمل یا پراگماتیسم است. استراتژی، مسائل و مشکلات را پژوهش و تجزیه و تحلیل می‌کند. این را چگونه باید انجام داد؟ استراتژی یعنی همراه خود دستورالعمل هدایتی برای انجام امور داشتن. استراتژی مثل چراغ هدایت بر انجام امور به

شکل مؤثر و سودمند است؛ مثل بسیاری از ابعاد و بخش‌های گوناگون زندگی سیاسی. سؤالی که در اینجا مهم و دارای مفاهیم به نظر می‌رسد این است که «آیا این ایده کار می‌کند؟»

از دیدگاه مذکور، در اصطلاحات عملی، عملیات نظامی نامنظم یعنی مبارزه جبری و توأم با اعمال زور بین بازیگران دولتی و غیردولتی به منظور سلطه و توسعه نفوذ به اراضی معین. تهدیدهای نامنظم به وسیله بازیگرانی اعمال می‌شود که روش‌هایی مثل جنگ پارتیزانی، تروریسم، کارشکنی یا مبارزه منفی و خرابکاری و فعالیت‌های جنایتکارانه و شورشگری را به کار می‌گیرند. نظریه پردازان به مباحثات و مناظرات پیرامون مقوله تفکرات اساسی و رده‌بندی آن علاقه‌مند هستند. برای مثال آیا ضرورت دارد جنگ پارتیزانی را به قشربندی‌های جداگانه تقسیم و از کلاس جنگ‌های نامنظم تفکیک کرد؟

اصطلاح «عملیات‌های نظامی نامنظم» به علت وسعت زیاد گاهی اوقات به میدان کسب مهارت و تجربه تبدیل می‌شود و پژوهشگرانی را نیز به سمت تعمیم و کلیت آن سوق می‌دهد. در این صورت، اصطلاحات عمومی عملیات‌های نظامی را در مورد آنها به کار می‌برند؛ ولی گاهی اوقات همین طبقه‌بندی و تفکیک جنگ و عملیات‌های جنگی و در مقابل صلح و ثبات قرار گرفتن آنها می‌تواند اشتباه باشد.

بنابراین عملیات‌های نظامی نامنظم به مفهوم امروزی نیازمند پژوهش‌های میدانی و آموزش‌های لازم در دانشکده‌های نظامی است و برای اینکه بتوان از عهده کار برآمد و تهدیدهای امنیتی و محیط امنیتی نوین را شناخت، باید از یک طرف جهت‌گیری‌های آموزش نظامیان با عرصه‌های نبرد نامنظم مطابقت کند و از طرف دیگر واکنش‌های استراتژیکی و تاکتیکی با توجه به طیف عملیات نامنظم تنظیم شوند.



# How to fight ISIS and Jabhat al-Nusra?



اکثر گروه‌های مسلح غیر قانونی که در عراق و سوریه می‌جنگند و دولت‌های قانونی را مورد هدف قرار می‌دهند، تا حدودی شناخته شده‌اند، اما ابعاد و جنبه‌های عملیاتی و پنهان در رفتارهای اجتماعی و سیاسی آنها کماکان آشکار و همگانی نشده است. کتاب حاضر که توسط مرکز مطالعات و پژوهش و ارزیابی استراتژیک روسیه منتشر شده است، تصویر نسبتاً روشن و دقیقی از اهداف، مأموریت‌ها، شیوه‌ها و تاکتیک‌های عملیات‌های جنگی گروه‌های تروریستی «داعش» و «جبهه النصره» در سوریه و عراق بیان می‌کند.



موسسه مطالعات اندیشه سازان نور  
Andisheh Sazan-e Noor  
Institute for Studies

ISBN: 978-600-5437-90-4



9 786005 437904